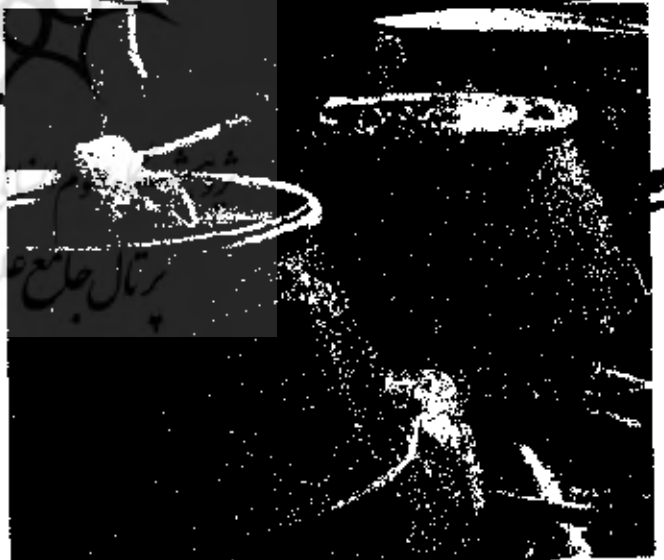


سال

دمپختک

قحطی سال

۱۲۹۶ ش.



کتر کتابی را می‌توان یافت که پیرامون وقایع عصر مشروطیت در ایران نگارش یافته و در آن، اشاره‌ای به قحطی عظیم سال ۱۲۹۶ ش. نشده باشد. کمبود مواد غذایی، پدیده‌ای است که به طور موحس در طول سالهای مشروطیت (۱۳۰۶، ۱۲۸۴) کم و بیش در گوشه و کنار کشور روی می‌داده و سالی نبوده که در آن، بلوای نان در یکی از مناطق ایران روی نهد.

بحرانهای گسترده اقتصادی و سیاسی در کشور، سبب نابودی منابع اقتصادی و بویژه وارد آوردن لطمه شدیدی به بخش کشاورزی شد. آسیب دیدن منابع کشاورزی، فقدان ارزاقی عمومی رابه دنبال داشت و این موضوع، در قحطیها و بلوهای نان، که در گوشه و کنار ایران به وجود می‌آمد، تجلی می‌یافت. قحطیهایی که مهمترین آنها، در سال ۱۲۹۶ ش. روی داده و به مناسبت اقدام دولت در آن بحیره، در برپاساختن محلههایی برای توزیع دمپختک (نوعی غذای برنجی که با حبوبات مخلوط می‌شود)، در بین فقوای تهران، به سال دمپختک هم مشهور شد.

قطعه اوج بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را طی موثرن گذشته، می‌باید در سالهای ۱۲۹۸، ۱۲۹۳ جستجو کرد. نفوذ عمیق و گسترده دولتهای روسیه و انگلیس، تحکیم قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۰۷، در خصوص تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ روسیه و انگلیس، وجود بحران عمیق سیاسی، فقر عمومی، ورشکستگی اقتصادی و بحرانهای اجتماعی در کشور، دست به دست هم داده و ایران رابه ضعیف‌ترین درجه از اقتدار طی قرون اخیر رسانده بود. در این میان، وقوع جنگ جهانی اول و کشیده شدن دامنه آن جنگ به فلسط و ایران و ورود نیروهای نظامی انگلیس، روس و عثمانی به کشور، مصیبتی دیگر و متکلی افزون بر مشکلات دیگر شد.

در بحیره بحرانهای مذکور، در اوایل سال ۱۲۹۶ ش. (۱۳۲۵ ق. ۱۹۱۷ م.، شواهدی از وقوع خشکسالی، در پارهای از مناطق ایران مشاهده شد. عبدالله سنوفی، مشاهدات خود را چنین نگاشته است: «در شش ماهه آخر و فصل بارانی سال ۱۲۹۵، به همه جهت ده، دوازده ساعت بیشتر باران نیامده بود. در تمام مدت فصل بهار هم، تابست و هشتم ماه دوم بهار (تور لاردیبهشت ۱۲۹۶) نم از آسمان پائین نیامده و در این وقت شش، هفت ساعت باران بر دشت قطره در شش آمد؛ ولی برای زراعت بلوکات گرمیر تهران، نرشداری پس از مرگ سهراب بود. زیرا اکثر زارعین، زراعتهای خشک شده خود را، چرانده بودند. این باران، فقط به دره بلوکات نسبتاً سردسیر تهران مثل ساوجبلاغ و شهریار، که اکثر آذقنات مشروب می‌شدند، افاقه جزئی داشت. حال تمام ایران، به همین منوال بود. رودخانه‌ها، خشک و قناتها هم، کم آب شده بود. در ورامین، آفت سن خوراک‌کن هم، مزید بر علت شده، آنچه از قحطی و خشکی نجات یافته بود، گرفتار این آفت شد. (۱)

با شروع تابستان، وقوع قحطی به شکل جدی‌تری مطرح شد. در اواخر تیرماه ۱۲۹۶ در رشت، هفت آب و بارندگی، باعث وحشت عموم شده و بدین سبب، جمعی از علمای اعلام و مقدمین، برای نماز باران، به مصلاهی خارج شهر رفتند. (۲)

در همان روزها در تبریز، وضعیت به وخامت گرائید. تمام شدن انبار ذخیره شهر، حکمران (شریف‌السلطنه) را، وادار به انجام اقداماتی نمود (گزارشهای شماره ۱ و ۲) در قزوین، سخت شدن کار ارزاق همراه با برخی فعالیت‌های سیاسی پیرامون انتخابات مجلس شورای ملی (۳)، سبب برخی فعالیت‌ها شد (گزارش شماره ۳). تصویر کاملی از وضعیت ارزاق ایران در اواسط تابستان سال ۱۲۹۶، در خلال مقاله «باز هم آذوقه تهران و ولایات» (مقاله شماره ۱) آمده است. آنچه در این مقاله اهمیت دارد، متوجه ساختن اتهام اصلی به جانب مقامات ذی‌نفع دولتی و خصوصاً حکام شهرستانهاست. مقیاس خوراک یکساله تهران، فریب یکصد هزار خروار گندم تخمین زده شده است؛ در حالی که نصف آن مقدار را به علاوه سی هزار خروار جو، که هر وقت احساس عسرت شود، می‌توان عوضی گندم استعمال کرد. خود دولت مالک می‌باشد. واقعاً اسباب حیرت است که به واسطه عدم لیاقت و رشد مأموران دولتی، پیوسته تعیین نرخ غله، در دست جمعی انباردار و محترک قرار گرفته و اهالی بدبخت تهران، گرفتار این قبیل عسرت و گرانی شبیه به قحطی باشند. همین وضعیات نامساعد در سایر ولایات ایران نیز، به اشکال مختلف جریان دارد و غالباً قضیه گندم و عایدات جنسی دولت، یکی از عایدات هنگفت نامشروع پیشکاران مالیه و حکام گردیده است. (مقاله شماره ۱)

به رغم چنین وضعیتی، در هفته‌های بعد، تغییر مثبتی در اوضاع به وجود نیامد. در تهران، به رغم وجود محصول مناسب در برخی نواحی اطراف نظیر غار و شاه عبدالعظیم (سند شماره ۱)، در پاره‌ای نقاط، گزارش‌های موجود از وضعیت بارندگی، حکایت از وخامت اوضاع می‌کرد (سند شماره ۲ و ۳) در چنین وضعیتی، طبیعی است که عرضه محصولات غذایی کاهش یافته و اوضاع مستحجی در شهر به وجود آید. در گزارشی از وضعیت نان تهران در اواسط مردادماه، آمده است: «چند روز بود که منظره دکانین خیابانی، از حیث کثرت جمعیت و سوء رفتار کارگران نسبت به ارباب رجوع، فوق‌العاده رفت خیز گردیده، حضرات خیابان هم، موقع را برای جلب انتفاع و سوء استفاده مناسب دیده و بالاخره مقامات مربوطه، صلاح دیدند که مبلغی بر قیمت نان افزوده و نان را از قرار دو قران و دو عباسی، تا وصول جنس دولتی به فروش برسانند. (۴) ولی این اقدام و اقدامات مشابه دیگر نیز، که شرح آنها در گزارش‌های شماره ۴ و ۵ ارائه شده، نتوانست راهگشای حل مشکل باشد. بدین ترتیب، هرچه زمان به جلو می‌رفت، بر قیمت ارزاق در تهران و نیز دیگر شهرستانها اضافه می‌شد.

برای بررسی مقایسه رشد قیمت ارزاق، نرخ مهم‌ترین اقلام غذایی مردم تهران در هفتاد اول جدی ۱۲۹۵ پایه، قرار گرفته است (گزارش شماره ۶۹) در آن زمان، به عنوان نمونه، گندم، خرواری حداقل ۱۷۰ و حداکثر ۲۵۰ ریال و برنج سفید کرده، خرواری ۴۰۰ ریال به فروش می‌رفت. یک ماه بعد، در هفته اول دلو بهمن ۱۲۹۵، قیمت‌های فوق‌اندکی کاهش یافت (گزارش شماره ۷۰)

حدود ده ماه بعد، یعنی در زمان اوجگیری بحران کمبود ارزاق در تهران، نرخ گندم، در ۲۳ آبان ۱۲۹۶ در تهران، خرواری حداقل ۵۲۰ و حداکثر ۵۸۰ ریال به فروش می‌رفت (گزارش شماره ۸۸) در همان روز، نرخ فروش

برنج سفید، خرواری ۸۰۰ ریال در تهران بود. گزارش نرخ ارزاق در ۳۰ آذر ۱۲۹۶ و هفتم قوس، ۱۳۹۶ (به ترتیب، گزارش‌های شماره ۹ و ۱۰)، حاکی از ثابت بودن قیمت‌هاست. ولی هر روز پنجشنبه ششم جدی (گزارش شماره ۹۱) حاکی از افزایش ۲۰٪ قیمت‌هاست. دو هفته بعد، قیمت گندم در هر خروار، به حداقل ۷۰۰ و حداکثر ۷۵۰ ریال رسید و برنج سفید کرده، اساساً فاقد قیمت بود (گزارش شماره ۹۳). بالاخره یک ماه بعد، قیمت گندم به خرواری حداقل ۸۵۰ و حداکثر ۹۳۰ ریال افزایش یافت و برنج سفید نیز، خرواری یکصد ریال به فروش می‌رفت (گزارش شماره ۱۲). به عیارنی دیگر، در فاصله یک سال، قیمت گندم ۴۰۰٪ و قیمت برنج ۲۳۳۵٪ افزایش یافت. این دو رقم کالا، به عنوان شاخص قیمت اقلام غذایی برگزیده شدند. قیمت دیگر اقلام نیز، در گزارش‌های فوق‌الذکر وجود داشت. و زودتر رشد قیمت آنها نیز، تقریباً به همان ترتیب و به نسبت گندم و برنج می‌باشد.

افزایش قیمت کالا، به معنای کمیابی و قحطی بود. پیامد قحطی نیز، در فرجه نخست، اعتراض مردم را به همراه داشت. نمونه‌ای از این اعتراضات، در ذیل گزارش شماره ۱۱۰ ارائه شده است. (۵) پیامد اصلی قحطی، در افزایش مرگ و میر و تلفات غیر انسانی، من‌باعت. آمار غله فقرا و تعداد متوفیات تهران در ماه آذر ۱۲۹۶ (گزارش‌های شماره ۱۶ و ۱۷)، بیانگر تعداد ۳۲۶۰ نفر است. ۸۰۰ نفر که احصایه از سوی نظمی و توسط کمیاری‌های محلات تهران، تهیه شده و تعداد تلفات ۳۸۲ نفر در تهران طی بیست روز اول آبان بهستم آذر ۱۲۹۶ است. علل تلفات مزبور، بدقت در گزارش زیربط مشخص شده است. ولی در این گزارش، نشانه‌ای از تعداد کسانی که بر اثر قحطی تلف شده‌اند، وجود ندارد. حدود دو ماه بعد یعنی در اواسط جدی ۱۲۹۶، به موجب راپورت کمیاری‌های محلات تهران، پنجاه و یک نفر اشخاص فقیر و بی‌بضاعت از گرسنگی و سرما مرحوم شده‌اند. بر اساس گزارش مزبور تعداد فوقی، به ترتیب: در محله ازک ۵ نفر، در محله سنگلج ۸ نفر، در محله حسن آباد ۷ نفر، در محله قنات آباد ۵ نفر، در محله محمدیه ۴ نفر، در محله قاجاریه ۱ نفر، در محله بازار ۷ نفر و در محله عودلجان ۱۴ نفر و مجموعاً ۵۱ نفر بود. (۶)

آمار تلفات، بتدریج بالا رفت و در عرض ۱۵ روز از ۲۰ جدی / دی تا پنجم دلو بهمن، غله اموات تهران، ۵۲۰ نفر بود. (۷) و بالاخره ۱۵ احصایه اموات تهران در بیست روز (یازدهم حمل ۱۲۹۷ تا تاریخ آخر برج مذکور) مطابق راپورت یوبه غالتخانه، من حیث المجموع ۲۷۶۱ نفر برآورد شده است. (۸) در مواجهه با چنین وضعیتی، دولت، اقدامات تاهیتی خود را به آرامی و کندی آغاز کرد. برای نخستین بار، در سرطان / تیر ۱۲۹۶ دولت، با امضای قراردادی با تومانیانس، حمل مقدار ناچیزی برنج (یکصد و چهل و هشت خروار) را از مازندران به تهران، سازماندهی کرد (سند شماره ۴). حدود دو ماه بعد، در اواخر سنبله شهریور، با جدی‌تر شدن بحران، هیئت دولت، وزارت مالیه را مأمور خرید ده هزار خروار برنج کرد (سند شماره ۵). ولی خرید این مقدار، که عملاً به عهده تجار نخلخانه تومانیانس واگذار شد، دچار مشکل شد. مشکلاتی که تومانیانس، به وزارت مالیه گزارش کرد، عمدتاً شامل نبود نقدینگی و کمبود برنج در مازندران بود (سند شماره ۵). تا اینکه بالاخره اقدامات اساسی دولت، با تاهخیری آشکار، از ۲۳ آذر ۱۲۹۶ آغاز شد. در آن روز، ۵۰۰۰ حساب تصحیح هیئت دولت، تقریباً تمامی معاملات بلندپایه، شاهزادگان متفرد، تجار و ملاکین بزرگ تهران، به تشکیل جلسه‌ای در دربار دعوت شدند. این جلسه، دو روز بعد در شنبه ۲۵ آذر ۱۲۹۶ در تهران تشکیل و پیرامون «کمی غله و ارزاق» مذاکراتی شد. نتیجه عملی جلسه، تعیین کمیون عالی به ریاست

صمصام السلطنه و عضویت مهیالار اعظم، سعدالدوله، نجم آبادی، سردار بهادر و سید عبدالرحیم کاشی، جهت حل مشکلات قحطی در تهران شد (گزارش شماره ۱۹). همان روز افراد مزبور، به علاوه عین الدوله سردار جنگ، محبر السلطنه، حاجی امام جمعه خوئی، سید کمال الدین، سید محمد بیبهانی، امام جمعه، سید جلال الدین [تهرانی، حاجی معین بوشهری و اسکندر تومانیان]، حسب الامر اعلی حضرت شهرباری، به دریافت دعوت شده و پس از حاضر شدن، آقایان، مشغول مذاکرات و تبادل نظر برای ترتیب جنس و برنج شدند. بالاخره الکساندرخان، قبول نمود که سی هزار خروار برنج، از رشت و مازندران خریداری نموده و خود دولت و سایر حمل آن را فراهم نماید. (۹) پس از پایان جلسه فوق، محبر السلطنه که عملاً مدیریت مجموعه اجرائی تأمین ارزاق تهران را بر عهده داشت، طی مصاحبه‌ای، مهمترین تصمیمات و خط مشی دولت را برای حل بحران، بیان کرد (گزارش شماره ۲۰). اعزام افرادی به نواحی مختلف نظیر عراق، لراک، قزوین، زنجان و قم، جهت تهیه آذوقه، تأیید فعالیت داوطلبانه منصور الملک، نیرالسلطان و دهخدا برای نظارت بر وضعیت ارزاق تهران، تهیه آمار از ساکنان تهران و بالاخره، توزیع سرانه ارزاق و نان در تهران، اقدامات اساسی دولت، برای تأمین ارزاق بود. در این میان، خرید و تهیه ارزاق و حمل آن به تهران، اساسی ترین موضوع می‌نمود. قبلاً بیان شد که تومانیان، از جانب هیئت دولت، مأموریت تهیه ارزاق را بر عهده گرفت. علاوه بر او، تعداد دیگری از تجار هم مأمور این کار شدند که با عقد قراردادهایی با دولت، نامن ارزاق تهران را متقبل شدند (اسناد شماره ۱۱-۱۶). با اجرای این قراردادهای، مقادیر معتدلی برنج و گندم وارد تهران شد که آماری از بخشی از آن، در ذیل سند شماره ۱۲ ارائه شده است.

محمور بعدی فعالیت دولت، کنترل توزیع مواد غذایی در بین مردم و یاری رساندن به بیبایان بود. راهکار دمیخت دمیخت، از همین جاسر چشمه گرفت. در اواسط قوس آذر ۱۲۹۶، «بر حسب پیشنهاد آقای حاج محبر السلطنه و تصویب هیئت وزرا، مقرر شد، روزی تا مقدار سی خروار برنج، در شش نقطه شهر، دمیخت تهیه شود و برای هر یک خروار برنج، بیست و پنج من گوشت و بیست و پنج من باقلا مصرف شود و دمیخت، به مدیریت آقامیرزا محمود، مدو شرکت متفق، به مصرف فقر ابرسد» (گزارش شماره ۲۲). علاوه بر آن، فروش آزاد نان در نانواییها نیز، از جمله طرحهای دولت بود. تعیین قیمت واحد برای نانواییها، نظارت شدیدتر رجبال خوشنام بر توزیع دمیخت، اقدامات دیگری بود که برای کمک به رفع قحطی، انجام شد (گزارشهای شماره ۲۲ و ۲۳).

نظارت و کنترل دولت بر توزیع مواد غذایی، تا اوایل ثور ۱۲۹۷ ادامه یافت و تنها در آن زمان بود که فروش دمیخت، بکلی آزاد و تمام نواحی دمیخت فروشی ادوکی منحل شده (گزارش شماره ۲۵). البته کماکان کنترل وزارت مالیه بر قیمت، ادامه داشته (۱۰) و حتی حکومت تهران، با صدور اعلانی به عموم اهالی اخطار کرده که هر کس، گندم و جو در تهران سراغ دارد که علاوه بر معاش صاحب گندم باشد و به حکومت اظهار نمایند، بعد از تحویل گرفتن، از محل خرواری پنج من از عین جنس جایزه داده می‌شود. (۱۱) اعلانی که تنها برای آبراز وجود صادر شده بود و گزارشی از اجرای آن، منتشر نشد. همراه با اقدامات فوق، تشکیل موسسات خیریه و نیز، فعالیتهایی در این زمینه به دست گروههای خیردولتی و همچنین دولت، راهکاری دیگر برای حل معضل قحطی در تهران به شمار می‌رفت. در اواسط عقرب آبان، هیئتی از نفع برستان، برای تهیه موجبات آسایش فقراء، مجمعی به نام «مجمع خیریه

تهران» تأسیس کرد (گزارش شماره ۲۶). چند هفته بعد، هیئت متحده خمسه معین تهران، یک باب دارالمساکین، در جنب بازارچه حاجی آقا محسن تأسیس نمود و پنجاه نفر از فقرای بی دست و پا، در آنجا پذیرفتند (گزارش شماره ۲۷). فعالیتهایی نیز، از سوی افراد خیر انجام شد. گردآوری اعانه از سوی برخی از رجبال (گزارش شماره ۳۲) و تشکیل جلساتی از آنها، از جمله این فعالیتهای بود (گزارش شماره ۲۸). به موازات فعالیتهای مردمی، دولت نیز، دست اندرکار اقداماتی مشابه شد. تصویب پرداخت ماهیانه چهار هزار تومان برای مصارف دارالمساکین و نظارت بر فعالیت آن، توسط «شاهزاده شهاب الدوله، مشارالمنک، مشارالسلطان، دبیرالمنک، دو نفر از طرف اتحادیه آذربایجان و یک نفر از طرف اصناف» (۱۲) از سوئی و از سوی دیگر، فعال نمودن کمیسیون خیریه دارالحکومه (گزارش شماره ۲۹). در دستور کار دولت قرار گرفت. گزارشی موجود از فعالیت کمیسیون مذکور در اواخر جنوری، حاکی از اسکان ۱۳۴۳ نفر فقیر در مساجد سراج المنک (۲۸۰ نفر)، شاه آباد (۶۰ نفر)، سپهداری (۸۸ نفر)، آقا محمود (۳۹۵ نفر) و مجدالدوله (۴۲۰ نفر) به صرف شام و نهار مجاني است. (۳)

علاوه بر اقدامات فوق، گزارشی نیز، از برگزاری تأثیر واپس، به نفع فقرا در این ایام در تهران وجود دارد. در اواسط دلو، ایمن نمایان و ایرت آرشین مال آلان، در گراند هتل تهران به احداث آمد و نیک ثلث از عایدات نمایش، در تحت نظارت مجمع آذربایجان، به توسط کمیسیون خیریه مرکزی، برای دارالمساکین، تخصیص داده شد. (۱۴) یک ماه بعد، ایرت گچ السن، شیرین السن توسط «آرنیست آبیوان، مدام کنارک، مادموازل لوبسی و آرتیستهای دیگر، در گراند هتل، بر روی صحنه رفته، عبادی این نمایش، پس از وضع مخارج، به فقرای تهران داده شد. (۱۵)

شهرستانها: در شهرستانها نیز، وضعیت اوراق، کم و بیش مشابه با تهران بود. در مقاله‌ای که تحت عنوان «تروم نعمام برای ارزاق عمومی»، در اواخر سنه شهریور ۱۲۹۶ در روزنامه ایران چاپ شد، تصویر نسبتاً جامعی از وضعیت ارزاق در شهرستانها، ارائه شد (مقاله شماره ۲). در شهرستانها نیز، همچون تهران، کمیوز ارزاق، از اواسط تابستان ۱۲۹۶ به شکل جدی، مطرح شد. و مقابله دولت و حکام با این موضوع، فاقد تأثیر بود. صدور دستورالعملهایی از قبیل مسافعت و جلوگیری از حمل برنج به خارج، در نقاط شمالی کشور (۱۶) نیز، توانست چاره‌ای برای جلوگیری از گسترش قحطی باشد. تصویری از اجالی، از وضعیت شهرستانها، می‌توان در خلال گزارشیهای موجود، جستجو کرد.

در یک حالت کلی، از نظر آسیب دیدگی، مناطق مختلف کشور، به سه گروه تقسیم می‌شود، بخش اول، مناطق غربی و شمال غربی کشور که در معرض شدیدترین آسیب قحطی قرار گرفتند. در ارومیه، همیزان کرانی و فحسی، به درجه‌ای رسید که اهالی، دست از اهالی و عیال می‌کشیدند و به بیابانها و سایر نقاط مهاجرت می‌کردند. یک من گندم، از اطراف وارد نمی‌شد. معاملات، کلیه ویران بود و دهات، تماماً خراب. (گزارش شماره ۳۰). در سراب، گرسه‌ای در حیاط کمیسیون ارزاق، مرد و در محبس، عبدالله نام، کارد کشید تا سر خود را از گرسنگی، ببرد (گزارش شماره ۳۱). در تبریز، «آفاسید حسن کرکری، با جمعی به خارج شهر به مصی رفته، مشغول دعا و مناجات هستند، و نان با کمال عسرت تحصیل می‌سود (گزارش شماره ۳۲). در آستارا، بنا به گزارش تنگرفی ۲۹ عقرب آبان ۱۲۹۶، «متجاوز از یک ماه می‌باشد که نان در آستارا نیست» (۱۷). در همان زمان، در سسندج، «همه روزه چندین نفر، از گرسنگی می‌میرند. اگر این قسم باشد تا یکی، دو ماه دیگر، تمام مردم از گرسنگی تلف

در کرد (اسان کرمانشاهان)، اوضاع اهالی، بی‌اندازه سخت و کار، به حائنی رسیده که روزی یکی دو نفر، به واسطه نزاع ایرسراخون گوسفند، مجروح می‌شوند. ابتدا گندم، جو و گوشت، یافت نمی‌شود. یک عده، به کوه‌ها رفتند و یا باو تلگردان می‌کنند. (۱۸)

در همدان، در اواخر خرداد، آبان، نان کمیاب و از شصت، هفتاد دکان خیابانی، نصف بسته شده بود. (۱۹) و کمتر از دو هفته بعد، اوضاع این شهر، کسب و خاست کرده، گندم را خرواری صد تومان و جو را نود تومان می‌فروختند. حکومت، با تخلی حرارت می‌خواهد جلوگیری نماید که نرخ از پنجاه تومان بالا نرود. جلوگیری، محال به نظر می‌رسد. (گزارش شماره ۳۴) و بعدها میزان نرخ گندم در همدان، حتی به خرواری ۲۴۰ تومان هم رسید. (۲۰) همزمان با آن، در قزوین، نرخ گندم خرواری ۲۰۰ تومان و برنج، خرواری ۱۸۰ تومان بود. (۲۱)

بخش مرکزی ایران نیز، آسیب جدی از قحطی دید. ولی این آسیب، در حد و اندازه مناطق غربی نبود. در قم، بنا به گزارشی که در اواسط بهار ۱۲۹۶، از وضع زراعت آن شهر تهیه شد (سند شماره ۱۲)، بخش اعظم مواد غذایی قم، از طریق فراهان تامین می‌شد. بدین لحاظ، کمیو دارزاق در کشور، سرعت اوضاع تم راحت‌تر قرار داد. به نحوی که در اواسط خرداد، آبان آن سال، به دلیل انبعاث حمل گندم از عراق و آستانبار فراهان، روزانه چند نفر از فقرا، از گرسنگی می‌مردند. (۲۲) ادامه این وضعیت، کار را به جانی رساند که در اوایل دلو بهمن، در ظرف چهار روز، قریب به پنجاه نفر، از گرسنگی مردند و اغلب قترای شهر، با خون گوسفندها زندگی می‌کردند. (گزارش شماره ۳۵).

در کمره، بنا به گزارشی در اوایل قوس، آذر، نرخ اجناس، رو به ترقی رفته، گندم خرواری ۵۵ تومان، جو ۴۲ تومان، باران هیچ نیامده و اهالی، فوق‌العاده در وحشت می‌باشند. (۲۳) در همان زمان در کاشان، مردم، برای به دست آوردن نان، بلوا و شورش کردند (گزارش شماره ۳۶). و در نهایت، در منطقه شمالی کشور، وضعیت اوراق، خوب و بحران قحطی، در آنجا به وجود نیامد. وضعیت کشت و برداشت محصول، مناسب بود و علاوه بر تامین نیاز مردم بومی (گزارش شماره ۳۷)، مقادیر زیادی برنج، به نقاط دیگر کشور (خصوصاً بهران) نیز، صادر می‌شد. (۲۴)

در شهرستانها نیز، برای مقابله با قحطی و کمبود ارزاق، تمهیدات مختلفی پیش‌بینی می‌شد. در این میان، اولویت با تامین مواد غذایی و سپس توزیع مناسب آن در میان مردم بود. در این راستا، تشکیل انجمنها و گروههای خیریه و اقدامات مشابه آن، نمود بیشتری می‌یافت.

در اراک، که بنا به گزارشی در اواسط بهمن ۱۲۹۶، اوضاع نان، خیلی سخت شده بود. امیر جنگ و امیر معتمد (حکمران و نایب او)، مجلسی تشکیل دادند و قرار شد هفت هزار خروار گندم، برای نان شهر، ملاکین، در (خرواری) ۴۲۱ تومان تهیه نموده و شبازان نیز، نان را یک من سه هزار و ده شاهی، به فروش برسانند. (۲۵) اجرا نشدن ترتیب فوق، کار را به جانی رساند که حکمران، در صدد جمع‌آوری اعانه از ملاکین و اعیان و اشراف و اخذ مالیات اجباری از آنها و نیز، اجزای ادارات، برآمد. همچنین، کمیونی مرکز از هفت نفر، معین شده که ترتیب راحتی فقرا را بخوبی بدانند. این کمیون، موسوم به «هفت عالی» است و حزب محترم دموکرات، در مدرسه خیریه به ریاست رشیدالسلطان، مجلس تجزیه داری برپا نموده‌اند. امیر جنگ و امیر معتمد و علماء، در مجلس حاضر شده بودند. (۲۶)

در سمنان، گزارشی از فعالیت شرکت خیریه‌ای، که «خیابانخانه سمنان» را در عهده داشته، برای حل مشکل نان در دست است (گزارش شماره ۳۸). در رشت، که به دلیل وفور ارزاق، هدف هجوم گرسنگان مناطق اطراف گیلان قرار گرفته بود، جمعی از خیر خواهان و نوع پرستان، کمیونی به اسم هیئت جمع‌آوری اعانه قرا تشکیل دادند و چندین کاروانسرا و مساجد و نیکه‌ها و دکاکین راه برای اقامت فقرا تهیه نمودند و نعام آنها را جادادند و وسایل معیشت و حفظشان را از گرسنگی و سرما، فراهم داشته‌اند. علاوه بر آن، برگزاری تأثیر به نفع فقرات، یکی دیگر از اقدامات کمیون مزبور، بود (گزارش شماره ۳۹).

اصفهان: وضعیت ارزاق را در اصفهان، می‌توان بوضوح در خلال نامه علمای اصفهان به کمیون ارزاق و جراید تهران، مورد بررسی قرار داد (گزارش شماره ۴۰). مسئله، به واسطه کم‌آبی و خشکالی، دولت حاصل مزدومی اصفهان، عمل نیامده و عمرم، به عسرت و مضیقہ دچار و فعلاً روزی بیست و پنج، شش نفر از گرسنگی تلف می‌شوند. برای جلوگیری از ادامه بحران، «کمیون ارزاق»، که مرکب از نمایندگان احزاب و هیئت علماء و تجار و اشراف و ملاکین باشد، تشکیل داده و این کمیون، از هیئت دولت تقاضای اجازه حمل غله از عراق (اراک) و کمره و گلپایگان به اصفهان و نیز، پرداخت مساعدت مالی از سوی هیئت دولت نمود. ولی پیشنهادهای ارائه شده راه دولت بدون پاسخ گذاشت و روز به روز، کارنان سخت و مردم بیچاره، از گرسنگی تلف می‌شوند و عملاً قریب، رشتہ انتظامات این شهر و اطراف، گسیخته خواهد شد.

دو هفته پس از ارسال تلگراف علماء، در اواخر قوس، آذر، وضعیت قحطی در اصفهان، به مراتب شدیدتر شد و «اهالی شهر، به واسطه گرسنگی و کسی غله، بی‌اندازه مضطرب و چهارده روز است تمام دکاکین، تعطیل و اهالی، در تلگرافخانه متحصن شده، روزی نیست که پنجاه، شصت نفر از گرسنگی تلف نشوند. (۳۷)

تا اینکه بالاخره در اواسط جدی ۱۲۹۶، وضعیت ارزاق در اصفهان، بهبود یافت و بنا به گزارشی در این خصوص، ۵۵ در این چند روزه، با اقدامات ابانت جلیله و آقای موفق الدوله، عمل نان، رو به بهبود و فراوانی گذاشته و از طرف دهات نزدیک شهر، همه روزه نان می‌آوردند. قریب چهار صد بار آورد، از طریق گردنه وارد و تا یک اندازه، وسایل راحتی اهالی، از بابت نان فراهم گردیده و نیز، در محلات، به همت و فترت بعضی از نوع پرستان، تاسیس شرکت خیریه شده و جلأ از باتر و تان هر محله، اعانه جمع‌آوری نموده و دکاکین خیابانی را باز کرده و مجانی به فقرا، نان می‌دهند. (۲۸)

در اردبیل، در نتیجه حکماری حاکم شهر با اهالی و اقدامات مؤثری که در این باره انجام شد، قحطی، دامنه گسترده‌ای در شهر نگرفته و نسبت به شهرهای دیگر اطراف، وضعیت اردبیل، به مراتب بهتر بود (گزارش شماره ۴۱).

البته در این میان، می‌باید به اقدامات محدود دولت، در قبال کمبود ارزاق در شهرستانها نیز، اشاره‌ای شود. این اقدامات، به طور مشخص، منحصر به صدور احکام تلگرافی بوده (۲۹) و تأثیر مهمی در مورد حل مشکل نداشت. جمع بندی: پس از بررسی اجمالی ابعاد قحطی سال ۱۲۹۶، که بعدها به دلیل رواج دمپختک‌پزی در تهران، به سال دمپختک مشهور شد، لازم است مروری مختصر بر علل و عوامل به وجود آمدن قحطی، انجام شود. به طور کلی، عوامل ایجادکننده این وضعیت راه، می‌توان در عناوین ذیل، خلاصه کرد:

۱ - عوامل طبیعی

علت اولیه به وجود آمدن قحطی راه می باید در عوامل طبیعی جستجو کرد. کاهش نزولات جوی، بروز آفات (من زدگی) و متعاقب آن، بروز خشکسالی، پدیده های طبیعی بود که کم و بیش در اواخر سال ۱۲۹۵ و اوایل سال ۱۲۹۶، در اکثر مناطق ایران مشاهده می شد. در فستهای قبلی هنگام بررسی گزارشهای عوامل جوی، مورد اشاره قرار گرفت. البته در این باره، نباید از توجه به این نکته غفلت نمود که به رغم اشارات متعدد به موضوع کم آبی در گزارشهای مذکور، این معضل، در تمام نقاط کشور یکسان نبوده است. و اگر بدرستی، موضوع، مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می شود که تنها در پاره ای مناطق گرمسیری کشور، کم آبی، تهدید جدی به شمار می رفته و در اکثر مناطق، عوامل طبیعی نظیر کاهش نزولات آسمانی، علت اصلی به وجود آمدن قحطی محسوب نمی شده است.

۲ - عوامل اقتصادی

از حدود اواسط تابستان ۱۲۹۶، مناسب نبودن فصل زراعی و کاهش سطح برداشت محصولات کشاورزی، زمینه مناسبی برای فعالیت مستحکوران و دلالتان فراهم ساخت. در جای جای گزارشهای ارائه شده در این مقاله، اشارات مهمی به فعالیت مستحکوران شده است. احتکار گندم در برخی از مناطق حاصلخیز کشور نظیر اراک، زنجان و دامغان، مانع از عرضه آن در مناطق یومی و نیزه صدور به مناطق نیازمند نظیر تهران و قم شد. این وضعیت، مآلاً منجر به کمبود عرضه، رشد قیمت و حائلی شد که از آن، بدرستی به نام قحطی مصنوعی نام برده اند. در صف مستحکوران، می باید از ملاکان، زمینداران بزرگ، دلالتان خرید و فروش گندم، جو و دیگر ارزاق، و نیز، تعدادی از مقامات دولتی دست اندر کار نظیر پاره ای از حکام ابالات و مأموران مالی نام برد. در مجموع، عوامل اقتصادی، تاثیر اصلی و مهم را بر قحطی سال ۱۲۹۶ باقی گذار و وریشه بسیاری از وقایع این بحران راه می باید در فعالیتهای اقتصادی دلالتان و مستحکوران جستجو کرد.

۳ - قوای خارجی مستقر در ایران

یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در قحطی سال ۱۲۹۶، وجود نیروهای خارجی مستقر در ایران بود. در آن زمان و در هنگامه جنگ جهانی اول، نیروهای نظامی روسی، انگلیسی و عثمانی، تقریباً تمامی مناطق ایران را، عرصه تاخت و تاز و درگیری نظامی خود با یکدیگر کرده بودند. حضور نیروهای مزبور خصوصاً در مناطق غرب و شمال غربی کشور، تاثیر مهمی بر کلیه مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باقی گذارد.

بدیهی است، وقوع قحطی و کمبود مواد غذایی نیز، نمی توانست بی تاثیر از حضور و فعالیت نیروهای مذکور باشد. با آشکار شدن نخستین علائم خشکسالی و کمبود ارزاق، نیروهای خارجی، بسرعت اقدام به خرید مواد غذایی در مناطق تحت اشغال خود و ذخیره سازی آن کردند. در غرب و شمال غرب، روسهای لگام گسیخته از انقلاب اکثر، در شهرها و مناطق حاصلخیز مختلف ایران، خرید و احتکار گندم را آغاز نمودند (اسناد شماره ۱۸، ۱۴، تاثیر این اقدام راه می توان در خلال اسناد و گزارشهای موجود، دریافت. عمادالدوله، رئیس مالیه کرمانشاهان، در سنبله / شهریور خطاب به خزانه داری کل گفت: «تمام ذخیره و آذوقه یکساله اهالی فلانکرده این شهر و ضعیفات اروا می خواهند

بگیرند و اگر از حالا رفع این محظور نشود، قطعاً در این زمستان، قحطی و سختی در این شهر خواهد افتاده (اسناد شماره ۱۴). در شهرهای دیگر همچون فروین، همدان، کردستان و زنجان نیز، حکایت همان حکایت بود. در زنجان، انبارهای غله راه تشون روس مستقر در آن منطقه، مهر و موم کرد. (۳۰) در قزوین در اواخر عقرب آباد، روسها، کلیه انبارهای غله را توقیف کرده و کساکان ساندتیها، مشغول سرقت می باشند. (۳۱) در همان زمان در ملایر، به فراخیر خصوصی، در روز قبل روسها، هزار خروار جنس از اهالی خواسته اند. معادل ششصد خروار به آنها داده شده و چون بقیه موجود نبوده، روسها، خیال داشتند به خانه های آنها بروند. اهالی، شکایت از تعدیات سابق و لاحق روسها، به وزارت داخله کردند. (۳۲)

اسناد و گزارشهای نیزه، از فعالیت نیروهای عثمانی و انگلیسی در زمینه گردآوری غله و آذوقه، وجود دارد (اسناد شماره ۱۹ و گزارش شماره ۴۲). البته بلافاصله باید این نکته را یادآوری نمود که بخش خارجی سفارتخانه های دولتهای خارجی، همکاریهایی با دولت ایران، در جهت جلوگیری از تعدیات نیروهای نظامی خود در ایران انجام دادند. به طور مثال، در پاسخ به متحدالمال ارسالی وزارت خارجه ایران به سفارتخانه های خارجی مستقر در تهران در اوایل قوس / آذوقه، سنی بر معرفی یک نفر از جانب سفارت، جهت جلوگیری از بعضی اشخاص که به نام سفارتخانه ها، جنس احتکار کرده اند، سفارت انگلیس، «کتاباً تقاضای دولت، مساعدت نمود و آقای میرزا یحیی خان راه برای این امر انتخاب و معرفی کرد». (۳۳) سفارت روس هم، «آقا محمد جواد گنجی ای راه وزارت امور خارجه معرفی کرد تا با مأموران دولت، در کشف انبارهای مستحکوران اقدام نمایند». (۳۴) در همین باره، ژنرال بارانتف نیز، اقدامات نافرجامی برای جلوگیری از تعدیات نظامیان روسی انجام داد (اسناد شماره ۱۶ و ۱۵).

علاوه بر موارد فوق، می باید به ورود آرد از هندوستان به ایران به وسیله انگلیسیها و توزیع آن در مناطق جنوبی ایران، اشاره کرد. اشاره جیمز مایرلی (۳۵) به این موضوع، همخوانی نسبی با گزارشهای موجود دارد. در هنگام بررسی وضعیت اصفهان از بهبود و فراوانی ناگهانی وضعیت غله در آن شهر، در جدی ۱۲۹۶ یاد شد. عامل اصلی این بهبود چیزی جز ورود چهارصد بار آرده به آن شهر نبود. (۳۶) همچنین، در شیراز، که اصولاً هیچگاه قحطی، به شکل جدی، نمود پیدا نکرد، بنا به گزارشی در این زمینه در اواخر عقرب / آبان در شیراز، «چهل و چهار دکان، نان ناوه و هر کدام هر روز، هشتاد من آرد پخت می کند، خیلی از وحشت مردم جلوگیری و اسباب رفاهیت شده است. این نان را، از قران منی دو قران و چهارصد دینار، می فروشند. ایالت هم مفتش مخصوصی برای این کار معین نموده است که گران نفر و شد». (۳۷)

بدیهی است، هدف دولت انگلیس از این اقدام، اسکات اهالی جنوب ایران بود. در آن زمان، نیروهای انگلیس، نزاع سنگینی با عثمانیها در بین النهرین و قفقاز داشتند و از به وجود آمدن مشکلات جدید در مناطق تحت نفوذ خود در ایران، آگراه داشتند.

۴ - ناکارائی و فساد دستگاه اداری و دولتی ایران

در میان عوامل پدیدآورنده قحطی سال ۱۲۹۶، ناکارائی و فساد دستگاه اداری و دولتی ایران، جایگاه خاصی دارد. در خلال گزارشهای ارائه شده در

این مقاله، گزارا به موضوع فساد دستگاه اداری و همکاری آنها با محترکان، اشاره شده است. در یک جمع بندی، مشخص می شود که موضوع قحطی، آنچنان که تصور می رود، به دلیل نامساعد بودن شرایط جوی نبوده، بلکه توزیع نامناسب و ناکارایی دستگاه اداری و دولتی در قبال آن بحران، نقش مهمتری داشته است و علل مختلفی چون درگیریهای جناحی درون حاکمیت، (۲۸) سودجویی مقامات دولتی و ناتوان بودن آنها در مقابله با شرایط بحران، نقش داشته است و تاثیر شگرفی در تبدیل کردن مسئله ای محدود و محلی به بحران عظیم ملی داشت. مروری مجدد بر مقاله «باز هم آذوقه تهران و ولایات» (مقاله شماره ۱) گویای این موضوع است. همچنین، موضوعات بیان شده در مصاحبه ارباب کیخسرو، در اواخر عقرب (آبان ۱۲۹۶) (گزارش شماره ۴۳) آگاهی مناسبی پیرامون واقعیت پشت پرده قحطی، نمایان می سازد.

او، در پاسخ به سوآلی پیرامون اشکالات و موانع حل گندم و برنج به تهران، بیان کرده است: «در موانع عمده، پیش آمده که خیلی اسباب زحمت است و جلوگیری از موفقیت کامل من، در تهیه جنس برای تهران نموده است. این دو مانع، یکی ملاکین و دیگری مامورین دولتی هستند. ملاکین، که هر کدام، چندین هزار اخروار اجتناس را احتکار کرده اند که فردا یا خون مردم مبادله کنند

به محض اینکه می بیند دولت، شروع به خرید گندم نموده، فوراً مردم را تحریک به شورش و بلوا می نمایند. حکام نیز، که اغلب خودشان، از همان ملاکین می باشند، تلگرافات به دولت می کنند که در این محل، گندم برای اهالی نیست؛ مردم، شورش کرده اند. به این طریق، خاطر اولیای دولت را، متوحش می نمایند» (گزارش شماره ۴۳).

اطلاعات و یافته های مذکور، راهگشای بسیاری از ابهامات موجود در بازخوانی پیرونده قحطی سال ۱۲۹۶ است. آنچه مشخص است، این است که مقامات ایرانی اعم از مرکزی و ولایات، قادر و توانا بر حل مشکل پدید آمده بودند، و حداقل این توانایی را داشتند که مانع گسترش آن شوند. ولی عوامل پیشگفته و خصوصاً رقابتهای موجود در درون حاکمیت ایران، مانع مهمی در حل معضلی شد که چالش عظیمی در اقتصاد ایران، در بحرانی ترین شرایط طی دو قرن اخیر، ایجاد کرد و در نهایت، بارشهای باران و برف، که از اواخر سال ۱۲۹۶ آغاز شده بود، نقطه شروعی بر پایان ماجرای قحطی، طی ماههای بعدی شد.





گزارش شماره ۱

راپورت تبریز، راجع به جنس

تلگرافات داخله، مورخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۷ رمضان

تبریز: انبار ذخیره، قریب به اتمام است. با وحشت فوق العاده، دسته به دسته جهت استعلاج فوری، نزد ابانت می روند. جناب شریف الدوله هم، اوقات شبانه روز خود را مصروف به این کار داشته، قزاق به دهات حول و حوش می فرستند. هر جا هر قدر غله هست چه مال رعایای خارجه و چه متعلق به رعایای داخله، فوراً با کرایه حمل به شهر نمایند. پانصد شش صد بار هم وارد شده تا امروز خیازخانه ها در تحت کنترل، همه دکانها دایر و بسته نشده است. امید است با این جدیت، که مشغول اقدامات هستند، در ظرف این چند روزه از اطراف غله، وارد شهر شده، غباز خانه ها از کار نیفتند. (۳۹)

گزارش شماره ۲

اهمیت اوضاع تبریز

تلگرافات داخله، مورخ ۳ برج اسد ۱۵ شهر شوال السکرتم

تبریز: وضع شهر از بابت انتشار بعضی اخبار موحنه و از بابت تمام شدن غله انبار و ذخیره، ساعت به ساعت کسب اهمیت می نمایند. زن و مرد، در جلو دکان خیازان جمع و اغلب پس از معطلی زیاد و ناامید شده، مراجعت می نمایند. حقیقتاً ذلت اهالی شهر، از هر جهت رفت انگیز است. شریف الدوله، با اهالی از طلوع آفتاب مشغول فراهم کردن وسایل حمل غله به شهر می باشد. خدای نکرده چند روزی هم به این ترتیب بگذرد، شدت گرسنگی مردم و قطععی، تولید اشکالات عظیم خواهد کرد که جلوگیری هم مشکل خواهد شد. چون قبلاً تهیه مال برای حمل غله نشده بود، حاله به صعورت از این طرف و آن طرف مال پیدا می نمایند و آنها هم، به قدر کفایت نیستند. یعنی یک مرتبه که مال را وارد شهر کردند، باز باید مراجعت نمایند تا بار دیگری حمل کنند، چند روز طول می کشد. (۴۰)

گزارش شماره ۳

در قزوین

راپورت کتبی از قزوین، مشعر است که کار ارزاق در قزوین، زیاده از حد سخت شده، خصوصاً آنان که ابتدا ماکول نمی باشد. آقای حاجی سید حسین، کمی نان را بهانه خود قرار داده، در این موقع خطرناک، جماعتی را به دور خود آورده که به مسجد شاه جمع و گاهی به حالت اجتماع به دارالحکومه می برد آنچه نباید بشود، به واسطه این حرکات شد، خداوند، به باقی ماندگان توحم نماید. آنتریک متفدین و عزیزان بی جهت در موضوع انتخابات به اندازه ای رواج یافته که اگر جلوگیری نشود، انتخاب در قزوین بیهوده و لغو خواهد بود. اگر باید از قزوین وکیل انتخاب شود، از طرف دولت مراقبت تام لازم است. (۴۱)

مقاله شماره ۱

باز هم آذوقه تهران و ولایات

عسرت و تنگی آذوقه در پایتخت و ولایات، یک فضا به سهل و یک مخاطره کوچکی نیست که بتوان با سهل انگاری و سامحه، از آن صرف نظر کرد.

باین فقره عمومی، با این ابتلاآت طاقت فرسای دولت و ملت، گرانی ناز، بدتر و وحیم تر از آن، کمیایی و ترقی مصنوعی



در سرخرمن مشکلاتی تولید خواهد کرد که اگر به فوریت علاج نشود، جبران آن فوق العاده دشوار خواهد بود. واقعاً حیرت خیز است که دولت در بلوکات اطراف تهران، تنها از بابت احارۀ خالصجان، فریب ۵۸ هزار خروار در هذۀ نسنه، گندم و جو معطوب، صورت ذیل موجود دارد:

من	خروار	
۵۰	۱۴۸۵۴	ورامین
۳۵	۱۳۵۸۷	ساوجبلاغ
-	۴۸۶۱	شهریار
-	۸۴۰۰	قشاقویه
-	۵۴۸۹	غار
-	۶۲۵۰	خوار
۷۹	۴۵۵۰	ساره

جمع کل، پنجاه و هفت هزار و نهصد و نود خروار و هشتاد و دومن. این مقدار، به استثنای مالکات جنسی اریایی است که اگر آن را نیز، اضافه نمایم، اقل گندم و جو، به هشتاد هزار خروار بالغ می شوند. در صورتی که جو را موضوع نسیبیم، لااقل فریب پنجاه هزار خروار گندم مال دولت موجود است و با آنکه این مقدار غله در اطراف در دسترس دارم و خرمن نیز، کوییده شده است، باز هم اوضاع نان تهران، به این حالت تأثر انگیز افتاده است.

غالباً مساجرین، به دستگیری رفقای اداری خود، مال دولت و ملت را برده و به عناوین مختلف تخفیف می گیرند و برای هذۀ نسنه نیز، زحمة آفت زدگی و تخفیف را مطرح کرده اند. در حاشی که هیچکس، انکار نتواند کرد که محصول اسالۀ ورامین، خوار و ساوجبلاغ، خیلی بهتر از سال پر آب گذشته است و فقط یک قسمت کر چک یعنی چند قریه از غار، دچار آفت شده است.

خر شیخان، همان طوری که در مقاله شماره گذشته پیشنهاد نمودیم، هیئت دولت، متعاقب پیشنهاد مزبور در جلسه صا-تقرابه تصمیم نمود که جمعی مأموران وزارت مایه، برای ضبط خرمنهای برداشته شده، به بلوکات اعزام دارند و بر خلاف همیشه، این دفعه مختصر جدیتی در اعزام مأمورین نشان داده شده است؛ ولی به طوری که شنیده شده است، در غالب از نقاط مخصوصاً در خوار، سنجرین، مقداری از گندم و جو را از خرمن برداشت نموده اند و حالاً جدیتی لازم است که مقدار برداشت آنها از روی دقت معین گردد.

مقیاس خوراک یکسالۀ تهران، فریب یکصد هزار خروار گندم تخمین شده است. در حالتی که نصف آن مقدار را به علاوه سی هزار خروار جو، که هر وقت احساس حسرت شود، می توان عوض گندم استعمال کرد. خود دولت، مالک می باشد. واقعاً اسباب حیرت است که به واسطه عدم ثبوت و رشد مأمورین دولتی، بیوسته توخ غله به دست جمعی انباردار و محتکر قرار گرفته و اهالی بدبخت تهران، گرفتارین قبیل حسرت و گرانی شبیه به نخطی باشند.

همین وضعیات نامساعد، در سایر ولایات ایران نیز، به اشکال مختلف جریان دارد و غالباً قضیه گندم و عایدات جنسی دولت، یکی از عایدات هنگفت نامشروع پیشکاران مایه و حکام گردیده است. بدو ایک قسمت از منتقدین ولایات، از دادن مالیات استنکاف کرده و به انواع مختلف، بدهی خود را نمی بردارند. آنچه پیشکاران مایه دریافت می نمایند، اگر محصول فراوان و نرخش ارزان باشد، غلات متعلق به دولت، از همه ارزاتر فروخته می شود. اگر ترقی داشته باشد، آن گاه به عناوین مختلف، به نام مفتضات و منافع دولت، رئیس مایه، قسمی زمین سازی و تعمیر می نمایند که پس از فروش، نصف قیمت حقیقی آن، به خزانه مملکت نمی رسد. همین که حسرت و گرانی احساس شد، مسئولین این فلاکت، به کنار رفته و مضرات مادی و معنوی آن، عاید دولت و ملت می شود. مسئله گندم آذربایجان و پیشکار مایه سابق آن، بهترین نمونه این سرفتهای عس است که از مایه مملکت فقیر، به عمل آمده است.

هیئت دولت، فعلاً برای ضبط باقیمانده محصولات اسالۀ بلوکات اطراف تهران، مأمورین فرستاده و این اقدام، در حدود خود قابل تقدیر است. زیرا مقابای محصولات دولتی، عجاناً از حیث و میل و زمینه سازی برای گرفتن همان نوع تخفیفات متکوئی که سال قبیل مستاجرین گرفتند، مصون خواهد ماند. لیکن این اقدام محدود، معاطرة عسوت و گرانی آینده را بر طرف نمی نماید.

بنابراین، لازم است که توجه کاملتر و بیش پیشهای جامعهتری در این باب به عمل آورده، علاج اساسی را جهت آذوقه



[سند شماره ۱]

آرم شیر و خورشید وزارت داخله، سواد مشروحه حکومت زاویه مقدسه

مقام محترم حکومت جلیله دارالخلافه دامت شوکنه
مرفوعه مبارکه در ذیل نمره ۷۱۷۸ در موضوع مقدار تخمین محصول زاویه مقدسه و غار و خوراک اهالی و مسکنه اینجا، زیارت شد و گرچه در طی نمرات سابقه، مفصلاً عرض شده و احتمال می دهم شاید کلمه ده در موقع مکانه، از نمره ۳۹۱ ساقط شده باشد و تصور فرموده باشید که در باب هزار و پانصد خروار است، در صورتی که در مینوت، ده هزار و پانصد خروار بوده و بر حسب تخمین مجدد معروض می دارد که حاصل اربابی بلوک غار و زاویه مقدسه، تقریباً ده هزار و پانصد خروار است و حاصل خالصه، تقریباً چهل هزار خروار. جمعاً، پنجاه هزار و پانصد خروار می شود.
مقدار تقریبی خوراک کلیه بلوکات غار و زاویه مقدسه، در سال پانزده هزار خروار است که شش هزار خروار از این پانزده هزار خروار، فقط صرف خبازان زاویه مقدسه می شود از قرار ماهی پانصد خروار.
اگر مقصود وزارت جلیله داخله و حکومت جلیله، غیر از این دو مسئله، مطلب دیگری است، مرقوم فرمائید تا جواب عرض شود. (۳۳)
سواد، مطابق با اصل (امضا)

[سند شماره ۲]

خرانه داری گل، اداره خالصجات، نمره ۱۹

رپورت هفتگی قریه کند بلوک ارادان

اطلاعات	محصول گندم و جو	بذر کاشته شده	ایام هفته
رعایای کند هم، مشغول کوبیدن و پاک کردن خرمنها می باشند.	-	ندارد	شنبه ۳ اسنبه
-	-	-	یکشنبه ۴ اسنبه
روز دوشنبه و سه شنبه، انبار گندم و جو کند را برگر دانید و روز چهارشنبه، به جای اژل ریخته شد آثار شیشه، در انبار جو پیدا شده است.	-	-	دوشنبه ۵ اسنبه
-	-	-	سه شنبه ۶ اسنبه
-	-	-	چهارشنبه ۷ اسنبه
-	-	-	پنجشنبه ۸ اسنبه
آب کند هم، خیلی کم است و حال آنکه شلتوک کند را، هیچ خالصه ندارد. هر سه روز یک مرتبه، آب به یک قسمت شلتوک می رود.	-	-	جمعه ۹ اسنبه

پیشنهاد، در موقع برگرداندن جو انبار کند، تقریباً پنجاه من جو ته انبار را شیشه خورده بود. امسال شیشه، زود شروع کرده است. باید زودتر جوهارا بوجاری کرد و بار گرفت که اسباب خسارت نشود. قدری از آن جو و شیشه را به اداره مالیه برای مشاهده، فرستادم
(در حاشیه، آمده است) از مرکز حکم شده است که جو، حمل نشود. با وجود اینکه بوجار فرستاده می شود که یکی کنند



ولی نمی دانم بالاخره چه خواهد شد. اگر اجازه داده شود، به نرخ عادلانه فروخته شود، بهتر است. متعنی است زودتر تکلیف را مشخص فرمائید. (امضا) (۴۴)

[سند شماره ۳]

جزئیات داری کل، اداره خالصجات، شماره ۱۹

دایورت هفتگی قریه هشت آباد بلوک ارادان

ایام هفته	بذر کاشته شده	محصول گندم و جو	اطلاعات
شنبه ۳ اسفند	ندارد	مقدار ده هزار خروار و سی هشت من گندم بازمه لکه در هجدهم و نوزدهم سنبله کاشته شد.	رعایای هشت آباد، در این هفته مشغول کوییدن و پاک کردن خرمها بودند.
یکشنبه ۴ اسفند	-	-	آب رودخانه، خیلی کم شده است و آب هشت آباد، کفاف شلتوک و صیفی را نمی دهد. جای افسوس است که در این موقع شلتوک، از بی آبی فوت نخورد.
دوشنبه ۵ اسفند	-	-	پروزی یکشنبه ۴ اسفند، انبار جو هشت آباد را برگردانید، با کمال زحمت دوباره به جای نول ریخته شد.
سهشنبه ۶ اسفند	-	-	آثار مورانه، در اطراف دیوارهای انبار جو ظاهر بود. باید زودتر حورها را بار گرفت که اگر بماند، اسباب ضرر دولت خواهند شد.
چهارشنبه ۷ اسفند	-	-	-
پنجشنبه ۸ اسفند	-	-	-
جمعه ۹ اسفند	-	-	-

پیشنهاد خوب است اداره مالی، مقرر کند که جوهای هشت آباد را، بوجاری کنند و بار بگیرند که اگر بماند، اسباب ضرر دولت می شود.

(در حاشیه، آمده است) No. ۷۴-۸۶

انبارهای جنس، عموماً گرم خواهد زد. در صورتی که اگر جو، هیچ حمل نشود، اسباب ضرر خواهد بود. متعنی است در این باب، تکلیفی مشخص فرمائید. عقیده بنده، بر آن است که اگر با گندم می توانیم مبادله کنیم، به نرخ عادلانه بلوک بفروشیم. بعضی از ماریانها، میل به خریداری دارند، ولی اجازه نداریم. نرخ جو، دو اینچ از ۵۵ الی ۶۰ قران است هر یک خروار. (۴۵) (امضا)

[گزارش شماره ۴]

همه در بازار

عصر روز گذشته، چند نفر از سربازان گارد، برای خرید نان به دکان خیابانی بازار مرغی ورود کرده، نظر به همه که فعلاً به واسطه کثرت جمعیت در دکانین موجود می باشد. در بازار شایعه می شود که منازعه بین سرباز و آژان شروع و متوسل به استعمال اسلحه گردیده اند. کسب، از شدت اضطراب، نظر به سابقه مذکرات اختلال آمیز، شروع به پستن دکانین نموده، صدای نخته ها موجب می شود که به فوریت، تمام بازار بسته شود. خبر به اداره نظیه رسیده، فوری رئیس اداره تأمیبات، با یک عده آژان وارد بازار شده و کسب را مطمئن کرده و اذاز به باز کردن دکانین شود می نمایند. پس از تحقیقات، مشخص شده که





مناقشه و مباحثه، وجود نداشته و بی جهت یک وحشتی در افکار کسبه تولید شده بود. از فراری که استنباط می شود، مخصوصاً اشخاص، قبلاً حاضر برای تولید و حسنت در افکار بازارها بوده اند. مقتضی است اداره نظمی، اشخاصی را که محرک هيجان می باشند، تعقیب کرده، از این قبیل وقایع جلوگیری نمایند. (۴۶)

[گزارش شماره ۵]

ارزاق عمومی

گذشته از مسئله نان که جالب دقت و توجه عمومی گردیده و هیئت محترم دولت، بذل اهتمام در اصلاح آن را، منظور نظر فرار داده اند. سایر اجناس و ارزاق نیز که طرف احتیاج عمومی و مراقبت آن به عمده اداره حکومتی و بلدیّه است. بسی جانب توجه می باشد. برای این امر، سابقاً در اداره حکومتی، جلساتی با حضور رؤسای اصناف منجمله امی شده، لیکن نتیجه آن، مسکوت عنده ماند. مسئله قیمت برنج و روغن و زغال و غیره، در صورتی که حالیه، موقع و ضرورت آنها می باشد، به جای خود خالی از اهمیت نیست. حیوانات و میوه که به تصدیق عامه، بیش از سنوات سابق زیاد و افرمی باشد. به قدری گران به فروش می رسد که اشخاص بی بضاعت که مسکن است در موقع ضرورت، از آنها رفع گرسنگی نمایند، دچار زحمت می باشند. مقتضی است که حکمران دارالخلافت، بذل توجهی در این امر به عمل آورده، با اطلاع اشخاص بصیر، قیمت ثابتی برای این قبیل اجناس، تعیین و کسبه را ملزم به اجرائی آن نمایند و از اعمال دلالها، که وسیله بزرگی برای ترفی بعضی اجناس و مخصوصاً زغال می باشد، جلوگیری به عمل آید. (۴۷)

[گزارش شماره ۶]

فهرست قیمت اجناس و ارزاق

تهران - هفته اول جدی ۱۲۹۵ (۴۸)

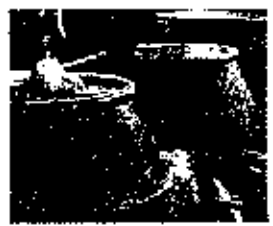
نوع جنس		وزن		حدائق		حد اکثر	
		دینار		قران		دینار	
گندم		۱۱۰ [یک خردار]		۱۷۰		۲۵۰	
جو		-		۱۵۸		-	
برنج سفید کرده		۲ [پنج خردار]		۱۹ [۲۰۰]		- [خردار ۴۲۵]	
برنج زرد چینه		۳ [پنج خردار]		۱۵ [۳۷۵]		۵۰۰ [خردار ۳۸۰]	

[گزارش شماره ۷]

نرخ اجناس و ارزاق

تهران - هفته اول دیو ۱۲۹۵ (۴۹)

نوع جنس		وزن		حدائق		حد اکثر	
		دینار		قران		دینار	
گندم		۱۰۰ [یک خردار]		۱۵۷		-	
جو		-		۱۵۰		-	
برنج زرد چینه		۲ [پنج خردار]		۱۵ [۳۷۵]		-	
برنج سفید		۳ [پنج خردار]		۱۶ [۴۰۰]		۵۰۰ [خردار ۳۷۵]	





[گزارش شماره ۸]

فرخ ارزاق و اجناس (در تهران) (۵۰٪)

مظنه روز پنجشنبه ۲۳ عقرب در تهران

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۵۲۰	-	۵۸۰	-
جو	"	۴۰۰	-	۴۴۰	-
سیب زمینی	"	۷۰۰	-	۲۲۰	-
برنج صدری	"	۸۰۰	-	-	-
برنج سفید	"	۶۸۰	-	-	-
برنج زردجه	"	۶۲۰	-	۶۵۰	-
برنج گرده	"	۲	۴۰۰	-	-
نان سنگک	یک من	۲	۲۰۰	-	۸۰۰
نان تافتون	"	۲	۲۰۰	۴	-
نان لواش	"	۳	۶۰۰	-	-



[گزارش شماره ۹]

فرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۱٪)

مظنه روز پنجشنبه ۳۰ عقرب در تهران

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۵۵۰	-	۵۸۰	-
جو	"	۲۲۰	-	۴۵۰	-
سیب زمینی	"	۲۲۰	-	۲۵۰	-
برنج صدری	"	۷۲۰	-	۷۵۰	-
برنج سفید	"	-	-	۸۰۰	-
برنج زردجه	"	۶۸۰	-	۷۰۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۷۰	-
نان سنگک	یک من	-	۴۰۰	۲	-
نان تافتون	"	۲	۴۰۰	۵۱	۶۰۰
نان لواش	"	-	-	۴	۸۰۰



[گزارش شماره ۱۰]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۲)

مظنه روز پنجمه هفتم قوس در تهران

نوع جنس		وزن		حد اقل		حد اکثر	
قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار
گندم		یک خروار		۵۵۰	-	۵۸۰	-
جو		"		۴۱۰	-	۴۳۰	-
سبب زمینی		"		۳۱۰	-	۳۴۰	-
برنج صدری		"		۶۳۰	-	۶۵۰	-
برنج سفید		"		-	-	۸۰۰	-
برنج زردچه		"		۵۳۰	-	۷۰۰	-
برنج گرده		"		۵۴۰	-	۵۹۰	-
نان سنگک		یک من		-	-	۲	۲۰۰
نان نافتون		"		۲	۲۰۰	۵	۶۰۰
نان لواش		"		-	-	۲	۸۰۰

[گزارش شماره ۱۱]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۳)

مظنه روز پنجمه ششم جدی

نوع جنس		وزن		حد اقل		حد اکثر	
قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار
گندم		یک خروار		۶۶۰	-	۶۸۰	-
جو		"		۴۲۰	-	۴۴۰	-
سبب زمینی		"		۲۴۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری		"		۷۰۰	-	۷۲۰	-
برنج سفید		"		-	-	-	-
برنج زردچه		"		۶۶۰	-	۶۸۰	-
برنج گرده		"		۶۵۰	-	۶۸۰	-
نان سنگک		یک من		-	-	۲	۶۰۰
نان نافتون		"		-	-	۶	۲۰۰
نان لواش		"		-	-	۵	۲۰۰





[گزارش شماره ۱۲]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۴)

مظنه روز پنجمه سیزدهم جدی

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۶۶۰	-	۷۰۰	-
جو	"	۲۵۰	-	۵۰۱	-
سیب زمینی	"	۲۲۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری	"	۷۰۰	-	۷۳۰	-
برنج سفید	"	-	-	-	-
برنج زردچه	"	-	-	۶۹۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۹۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۴	۶۰۰
نان تافتون	"	-	-	۶	۲۰۰
نان لواش	"	-	-	۶	-

[گزارش شماره ۱۳]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۵)

مظنه روز پنجمه بیستم جدی

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۷۰۰	-	۷۵۰	-
جو	"	۵۵۰	-	۵۵۰	-
سیب زمینی	"	۲۲۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری	"	-	-	۷۸۰	-
برنج سفید	"	-	-	-	-
برنج زردچه	"	-	-	۶۹۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۹۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۴	۶۰۰
نان تافتون	"	۴	-	۶	۸۰۰
نان لواش	"	-	-	۶	-



[گزارش شماره ۱۲]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۱۵۶)

مقننه روز پنجشنبه بیست و پنجم دی

نوع جنس	وزن	حدافل		حداکثر
		قران	دینار	
گندم	یک خروار	۸۵۰	-	۹۳۰
جو	"	-	-	۷۰۰
سیب زمینی	"	۲۵۰	-	۲۸۰
برنج صدری	"	-	-	۹۰۰
برنج سفید	"	-	-	۱۰۰۰
برنج زردچه	"	-	-	۷۸۰
برنج کرده	"	-	-	۷۴۰
نان سنگک	یک من	-	-	۶
نان نافتون	"	۵	-	۸
نان لواش	"	-	-	۶

[گزارش شماره ۱۵]

برای خان

دیروز یکشنبه دوم صفر آنو ساعت قبل از ظهر، یک عده زن، از طرف قنات آباد به طرف بازار آمده، برای کسی نان، از کسبه تقاضای تعطیل عمومی نموده اند و دو دسته دیگر هم، از نقاط مختلف به بازار آمده، صدای شیون بلند می کنند، بدو دکانین بزرگی و بعد سایر نقاط را تعطیل می نمایند. یکی دو نفر، به بازار کشدوزها رفته که آنها را هم تشویق به تعطیل نمایند. آنها قبول نکرده، حتی برای دفاع حاضر می شوند.

جمعی فریب هتتصاد نفر زن و مرد، که سردسته آنها، مهدی محمد قربانزاده و سید حسن، پسر حاجی سید مصطفی قنات آبادی بود، به ارگ آمده، بنای داد و فریاد می گذارند. قربانزاده، شرحی راجع به کسی غله، اظهار و بعضی نسبتها هم به آقای وزیر مایه می داده است.

کمیسری بازار، مراتب را به نظمی اطلاع و کسب تکلیف می نماید. کلل و ستر اهل و مازور استوار، به محل واقعه حاضر شده، به کمیسری امر نمود که مردم را متفرق و دکانین را باز نمایند. عده ای از آن سوار، احضار امر به دستگیری مهدی محمد و سید حسن و دو سه نفر دیگر، نمود. آنها را جنب به نظمی و از دیروز عصری شروع به استنطاق آنها می نماید.

مامورین کمیسری بازار، به معیت از آنها سواره، به هر نحوی بود، مردم را متقاعد نمودند که مشغول کار خود شده، تا هشت و زو را به فراغت کامل برای ترفیه حال عمومی و تسهیل امر نان، اقدامات لازمه را به عمل آورند. به هر نحوی بود، مردم، متقاعد و دکانین خود را باز نمودند. طرف عصر هم، راپودتش از طرف کمیسری بازار به اداره نظمی رسید، مبنی بر آنکه دو نفر زن، که معرک واقعی بودند، دستگیر شده اند. (۵۷)



گزارش شماره ۱۶

عده فقر (۵۸)

حررت احصائیة فقرا که نظیب، توسط کمیاریهای حاضر به وزارت داخله ارسال داشته است.

کمیاری نمبر ۱	۷۵ نفر
کمیاری نمبر ۲	۵۰۴ نفر
کمیاری نمبر ۳	۲۲ نفر
کمیاری نمبر ۴	۳۸۰ نفر
کمیاری نمبر ۵	۱۲۷ نفر
کمیاری نمبر ۶	۲۴۰ نفر
کمیاری نمبر ۷	۱۳۲ نفر
کمیاری نمبر ۸	۲۰۰ نفر
کمیاری نمبر ۹	۳۲۷ نفر
کمیاری نمبر ۱۰	۲۷ نفر

۲۲۶۵ نفر

گزارش شماره ۱۷

عده متوفیات تهران (۵۹)

از اول مرج عقرب لغایت ۲۰ برج مزبور، متوفیات شهری، دارای امراض ذیل بوده اند:

دینه بھلو (۵۳) نفر، تب و نوبه (۵۰)، نامعلوم (۴۸)، اسهال (۴۵)، حصیه (۳۶)، تب لازم (۳۳)، اسهال (۳۱)، سرخک (۱۳)، وضع حمل (۸)، کیر (۶)، سیاه رشم (۵)، بی تبیری (۵)، فالج (۵)، گنودرد (۵)، حبس ایول (۶)، حملہ (۴)، توبہ غش (۴)، ضیق النفس (۳)، باد سرخ (۲)، مقنول (۳)، مسموم (۱)، سیاه سرفه (۳)، دل درد (۳)، سرطان (۳)، سقط شده (۱)، قولنج (۱)، خفه شده (۱)، ذات الریه (۱)، یرقان (۱)، شقاقلوس (۱)، سرسام (۱)، ذات الجنب (۱)، جنون (۱)، خنازیر (۱)، خون دماغ (۱).

جمع کل، ۳۸۲ نفر

گزارش شماره ۱۸

راجع به اموات فقرا

دائرة محترمة جریده فریادہ و عدا دام بقانہ

در جریده شریفه، شرحی در اظهار تاسف از تاخیر تفصیل و تدفین جنازہ در غسلخانہ درج فرموده بودند. برای اطلاع خاطر محترم، معروض می دارم کہ اداره حکومت و بلدیه، وجہی برای مخارج دفن اموات مجانہ ندارد. تاکنون ہرچہ جنازہ فقرو بی بضاعت، کہ از اداره نظمیہ و کمیاریها و غیرہ فرستاده اند کہ عده آنها، از ۲۰ محرم ہذا السنہ تاکنون یکصد و ہجده نفر زن و مرد و یکصد و دو نفر طفل، از دوازده سالہ بہ پائین بوده. اداره حکومتی جواز مجانہ دادہ و در غسلخانہ کفن و دفن نموده اند. چون عده اموات مجانہ، بہ واسطہ فقر و علل دیگر زیاد است و اعتباری ہم برای مخارج آنها نیودہ، از طرف





حکومت پیشنهادی در یک ماه قبل به وزارت جلیله داخله داده شده که مبلغی در ماه اعتبار داده شود؛ آن هم تا به حال تصویب نشده و اگر در غسالخانه تاخیری در تفصیل و تدفین جنازه شده، امواتی بوده است که جواز طیب نداشته با اموات مشکوک بوده که باید طیب قانونی عدلیه اعظم، معاینه و جواز بدهد. مسکن است هفت، هشت ساعتی یا یک روز به تاخیر یفتد و الا جهت دیگر ندارد.

رئیس کابینه حکومت و بلندیه نصیر السلطان (۶۰)

[سند شماره ۴]

آرم شیر و خورشید [تجار تخانه برادران تومانیانس، تهران، به تاریخ

۵ شهریور ۱۳۳۵، نمره ۷۸۵۹۹

مقام منبع وزارت جلیله مالبه، دامت شوکه

به موجب مرقومه مطاعه نمره ۹۹۳۳ آن وزارت جلیله، مطابق صورتی که لغاً تقدیم می شود، موازی یکصد و چهل و هشت خروار و بیست و سه من و نیم برنج، از مازندران اتباع و برای آذوقه تهران حمل [شده] و در انبار مخصوص، محفوظ و قیمت آن، به انضمام کرایه حمل و انبارداری و محارج متفرقه، معادل پنجهزار و نهصد و دوازده تومان و هشت هزار و دوست و پنجاه دینار است.

چون در این موقع، محتمل است به واسطه شپشک و نظایر آن، برنج، در انبار فاسد شده و موجب خسارت باشد، لذا خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله رایبه این مسئله متوجه کرده و منتظر است راجع به برنج مزبور، هر طور دستور فرمایند، رفتار نماید.

الکساندر تومانیانس (امضا) (۶۱)

[سند شماره ۵]

آرم شیر و خورشید [ریاست وزرا، نمره ۱۱۴۷، به تاریخ ۲۶ برج سنبله ۱۳۳۵

وزارت جلیله مالبه

در جلسه ۳۰ ذی قعدة، مطابق ۲۶ سنبله ۱۳۳۵، هیئت وزراء، تصویب فرمودند که وزارت جلیله مالبه، معادل مقدار ده هزار خروار برنج، برای کمک به نان شهر تهران خریداری و حمل به تهران نمایند. تصوینامه، در کابینه ریاست وزرا ضبط است.

[امضا] [مهر] ریاست وزرا

[در حاشیه، آمده است: اداره خزانه کل

تصویر نامه فوق را، که مدرکی صدور حوالجات قیمت برنج خریداری است، ضبط نمایند.

۷ میزان ۱۳۵ [امضا] (۶۲)

[سند شماره ۵]

آرم شیر و خورشید [تجار تخانه برادران تومانیانس، تهران، به تاریخ

۱۳ شهریور ذی حجه ۱۳۳۵، نمره ۷۸۹۰۴



مقام منبع وزارت جلیله مایه، دامت شوکه

در خصوص خرید برنج، بنابر مذاکرات شفاهی، که چند روز قبل به عمل آمد، تجارتخانه، فوری آنچه اقدامات لازم است، نموده و تلگرافاً به شعبات و گمشدگان تجار نخانه در مازندران، اخطار شد که هر قدر برنج ممکن باشد، خریداری و فوراً حمل نمایند.

جواباً اطلاع داده اند که برنج کهنه یعنی متعلق به پارسال، ممکن نیست خریداری شود؛ به واسطه اینکه تمام شده، برنج سنه ماضیه، در محل باقی نمانده، ولی از بابت برنج تازه، که تقریباً پانزده روزه به دست خواهد آمد، اطمینان داده اند که جداً مشغول کار شده اند و در موقع، خریداری و حمل خواهد شد. در خصوص این خرید برنج، لازم بود که از طرف آن وزارت جلیله، دو فقره کتاب مرقوم شود:

۱. در موضوع خرید و حمل برنج مذکور فوق، بنا بر کتاب به تجارتخانه مرقوم فرمایند تا به حال از طرف آن وزارت جلیله، دستخطی زیارت نشده، خواهشمند است کتاب دستور العمل لازمه را، مرقوم فرمایند.
۲. برای خرید برنج مذکور فوق، بنا بر اعتباری به تجارتخانه از طرف آن وزارت جلیله، داده شود؛ تا به حال مرحمت نشده، خواهشمند است مقرر فرمایند، اعتبار نامه لازمه مرحمت شود که اسباب معطلی در تهیه برنج فراهم نشود.

ایام شوکت برقرار [امضا]

الساعة، تلگرافی رسید که مقداری برنج، خریداری نموده اند که فوری حمل خواهند کرد. محض اطلاع عرض شد.

الکساندر نومینانس [امضا]

[در حاشیه، آمده است: فوری است، دارة محاسبات کل.]

از این حسن مواظبت میو الکساندر جان، اظهار امتنان شود. در باب خرید پانزده هزار خواریر برنج، به تجارتخانه نومینانس نوشته شود که بخرد. اعتبار لازم هم، داده شود. (۱۱ میزان [امضا] ۱۳۳۰)

گزارش شماره ۱۹

کمیسیون در برنج

روز پنجشنبه (۲۸ محرم) بر حسب تصمیم هیئت دولت، از طرف کابینه ریاست وزرا، آقایان ذیل، برای مذاکره در امران دعوت شدند که عصر روز شنبه (اول صفر) در دربار حضور به هم رسانند:

حاجی امام جمعه خونی، امام جمعه، حاجی میرزا ابوالقاسم، ظهیر الاسلام، آقای سید کمال الدین، آقا میرزا سید محمد بهبهانی، حاجی شیخ مرتضی، آقا میرزا محمد تقی گرگانی، آقا علی نجم آبادی، آقا شیخ عبدالنسی، آقا سید علی آقازدی، شاهزاده عین الدوله، سردار کل، حاجی مجد الدوله، امجد الدوله، سیهالار اعظم، اقبال الدوله، ظفر السلطنه، حاجی افخم الدوله، حاجی ناصر السلطنه، وثوق الدوله، معین الدوله، سهدار اعظم، سعد الدوله، علاء الدوله، وزیر دربار، صاحب اختیار، حاجب الدوله، آقای صمصام السلطنه، تدین، آقای مخیر السلطنه، نیر الدوله، نصرت الدوله، بهاء الدوله، معاون الملک، قوام الدوله، علاء الملک، سردار جنگ، سردار بهادر، شهاب الدوله، حاجی امین الضرب، حاجی معین التجار، حاجی ربیع آقا، میرزا محمود شرکت متفق، حاجی سید محمد صراف، حاجی محمد علی شال فروش، آقا میرزا سید محمد لاریجانی، حاجی میرزا حسن کاشی، حاجی میرزا محمد حسین حریری، حاجی میرزا علی اکبر، پسر حاجی آقا محمد شال فروش، حاجی محمد تقی بنگذار، حاجی سید محمد ساعت ساز، حاجی سید محمد اسلامبولچی، آقا سید عبدالرحیم کاشی، میرزا حاجی آقا حریری، حاجی میرزا علی صراف، حاجی محمد حسن یار فروش، حاجی شیخ عبدالعسین بلور فروش، صدرایی، حاجی محمد اسمعیل کاشف.

روز گذشته (شنبه اول صفر) سه به غروب مانده، به دربار حاضر شده، با حضور هیئت وزرای عظام، مجلس عالی منعقد گردید، بدو آقای حاج مخیر السلطنه، شرحی راجع به کمی غله و ارزاق بیان فرموده و عرض هیئت دولت و از دعوت آنان، اظهار داشته که کمک نظری و جنسی به اهالی تهران بنمایند. مذاکرات و تبادل آراء، تا غروب امتداد یافت. چون نتیجه مذاکرات معلوم نشده بود، پیشنهادی از طرف آقا سید محمد تدین شد که خوب است رئیسی برای مجلس معین شود تا موثق به احد نتیجه شوند. به اکثریت آراء، آقای صمصام السلطنه، به ریاست انتخاب و مشغول مذاکرات شدند. سپس مذاکره شد که آیا تعیین





کمیسیون عالی برای تهیه جنس لازم است یا خیر؟ به پیام و فتوای گرفته و تصویب شد.
 از طرف رئیس اظهار شد که پنج نفر برای عضویت کمیسیون انتخاب شود. ورقه رای منتشر و از سوی پنج نفر که چهار
 رای آن امتناع بود. آقایان ذیل انتخاب شدند:
 سهالار اعظم ۲۱، سعدالدوله ۱۴، آقا علی نجم آبادی ۱۴، سردار بهادر ۱۲، آقا سید عبدالرحیم کاشی ۱۰.
 پس از انتخاب، قرار شد قعه دعوت از طرف دولت ارسال گردد و مجلس دو ساعت و بیست دقیقه از سب گذشته، ختم
 شد. (۶۴)

گزارش شماره ۲۰

اصحابه با مخبر السلطنه، در مورد ارزاق

مخبر ما، روز گذشته ایکشنبه ۲ صفر با آقای حاجی مخبر السلطنه ملاقات و در خصوص امر نان، سوالات ذیل را از
 معزای اله نموده است:

۱. آیا برای اداره کردن امر نان، به هیئت دولت، اختیارات تامی داده اند؟

[جواب] دولت، اختیاراتی به من داده است. ولی به واسطه کمی جنس در مرکز، تاکنون پیشرفتی ننموده است.

۲. از بدو تصدی امور ارزاق، چه اقداماتی فرموده اید؟

[جواب] نهایت جدیت و ادر تهیه جنس و تامین آتیه ارزاق نموده ام. نصیر شرف رایه خوان، اقتدارالدوله رایه عراق و
 سرزمین مصطفی خان رایه قزوین فرستاده ام که جنس مبارک خوراک اهالی را خریدند و حمل به تهران نمایند. مشارالوزاره، را برای
 حمل جنس به زنجان فرستاده ام و نازه و از دیه محل مأموریت شده است. عبدالعینی میرزا هم، داوطلبانه برای حمل جنس به
 قم رفته است. منصور السلک، حاجی میرزا فتح الله خان نیز السلطان و دهخدا نیز، داوطلبانه هر یک، یک قسمت شهر را در تحت
 مراقبت و مواظبت خود گرفته اند. مشغول تهیه احصائیه هستیم. اصناف، احصائیه فرستاده اند که ۲۰ خروار خوراک آنهاست.
 نظمی هم، احصائیه ققاز تهیه می کنند. دولت، تصمیم کرده است که برای اصناف و فقرا و مستخدمین دربار دولتی، که
 حقوق شان از بانزده تومان کمتر است، جنس می دهد که نان را از قرار منی دو قران و دو عباسی یا دو ریال، به موجب بلیط
 بخرند و بقیه دکان، آزاد باشند. به هر قیمتی گندم تهیه کردند، نان رایه دیگران بفروشند.

۳. مقدار جنسی را که در نظر گرفته اید، در تهران و اطراف چقدر است؟

[جواب] عراق دوازده هزار، خمسه، قزوین و ساوجبلاغ بیست و هفت هزار و خوار دوازده هزار خروار گندم است.
 دولت جدید، کنتراتی مامور الکساندر خان تو مانیاس بسته که بیست و چهار هزار خروار برنج ابراع نماید.

۴. چند باب دکان، در تهران مشغول تهیه نان است؟

[جواب] هشتاد باب سنگکی و چهل باب تانوی پزی و قریب پنجاه باب نان خشکه و لواش و منفرقه پزی است.

۵. مقدار جنسی که می دهید، چقدر است؟

[جواب] بیست دکان فوق، ۳۳۰ خروار است که مقداری را دولت می دهد و بقیه را خود خبازان، تهیه می کنند. به علاوه،
 دولت، سه تنور در باغ انگوریه، کاروانسرای حاجی ابوالفتح و قیصریه دایر کرده و روزی سی خروار جنس، به آنها می دهد
 که به شرح ذیل، تقسیم می شود:

قراقرخان ۱۲ خروار، نظمی ۱۴ خروار، گارد همایون ۱۶ من، موری کجیان ۸۰ من، مطابع یک خروار، قورخانه ۳۵ من، مریضخانه
 احدی ۱۷ من، فوج خلیج ذخیره و انبار ۵۰ من، منفرقه هم، مقداری به موجب حواله به اجزای انبار و قرا داده می شود.
 سه خروار جنس یومیه برای دربار سلطنتی، یک خروار و پنجاه من برای سفارت روس، سه خروار هم به بر بگاد مرکزی
 می دهند. روزی پنج خروار برنج نیز، از قرار ۳۵ تومان می دهد که دم بیخت تهیه کرده، از قرار منی یک قران و شانزده شاهی،
 بفروشند.

۶. در انبار دولتی، حالیه چه مقدار جنس موجود است؟

[جواب] فعلاً در انبار، مقدار معتابیه موجود نیست. ولی یومیه از یکصد تا دو بیست و پنجاه خروار، جنس وارد می شود.

۷. در تهران، تقریباً چقدر جنس منفرقه تصور می فرمائید، موجود باشد؟

[جواب] از اون حمل ناکتون، تقریباً سیصد و ده هزار و یکصد بار گندم و جو، برای منفرقه وارد شده است.

۸. رویه ای که نسبت به محترکین مصمم شده اید، چه خواهد بود؟

[جواب] به موجب قانون شرح و عرف، توقیف و ضبط خواهم کرد.



۹. برای صحت جنسی که از طرف دولت می‌دهد، تفتیش جمعی می‌شود یا خیر؟ زیرا در افواه مردم، مذاکرات زیادی می‌نمایند که خیازها، کلیه جنس دولت را، به مصرف نمی‌رسانند.

[جواب] مامورین دولت، تفتیش می‌کنند!

۱۰. از دوا و مامورین دولتی، که مربوط به امر ارزاق هستند، رضایت دارید؟

[جواب] تقاضائی شده ولی چون شایسته پیدانکرده، نمی‌توانم تحقیقاً اظهاری بدارم. از مفتشین هم، اطمینان کامل ندارم.

۱۱. نظریه عالی، راجع به ارزاق تا سر خرمین چیست؟

[جواب] چنانچه جنس فوق برسد و وقایع تازه‌ای، امیاب گرفتاری دولت نشود، آذوقه آتیه، به واسطه گندم و برنج تامین می‌شود.

۱۲. آیا امیدوار به موفقیت خوردگان هستید و با چه شرایطی مطمئن می‌شوید؟

[جواب] چنانچه وسایل حمل و نقل منظم شود، به امید خداوند کاملاً مطمئن هستم.

خاتمه، به موجب اطلاعاتی که از ولایات مرکزی دارید، وضع نان در آنجاها چگونه است؟

[جواب] خمسه، قزوین و عراق، عیب ندارند؛ تهیه جنس برای خود نموده‌اند؛ زیادی هم دارند که به تهران حمل می‌شود. (۶۵)

[سند شماره ۶]

آرام شیر و خورشید وزارت داخله، سواد کتکرات برنج یا تجارت نخانه تومانیانس. مورخ ۲ قوس ۸۱ صفر [۱۳۳۶]

قرارداد فیما بین وزارت جلیله داخله با تجارت نخانه برادران تومانیانس، در خصوص خرید و حمل و نقل ده هزار خروار برنج از مازندران، به قرار مواد ذیل خواهد بود:

۱. تجارت نخانه برادران تومانیانس، تعهد می‌نماید مقدار ده هزار خروار برنج (خروار یکصد من) گرده رسمی معمولی مازندران و برنج درهم مصطلح اهالی مازندران، چه از محصول املاک تجارت نخانه و چه از مالکین و بازارهای آن ولایت، به طور امانی خریداری و از حال تحریر لغایت آخر حوت هذائت نیلان تیل ۱۳۳۶، حمل به تهران نماید.

۲. برنجهای خریداری و یا برنجهای املاک تجارت نخانه، باید پیش از آنچه معمولی آن ولایت است، افت و خرده برنج و شتوک نداشته باشد. برای تشخیص این مطلب، قبلاً تجارت نخانه، نمونه‌ای از آن و در وزارت جلیله داخله حاضر و آنچه نمونه در خروار افت و خرده برنج و شتوک تشخیص داده شود، تمام مقدار ده هزار خروار، باید از آن فرار محسوب شود.

۳. برنج، که حمل می‌شود تماماً در تهران در انبارهای مخصوص تجارت نخانه، که قبلاً تهیه شده است، انبار خواهد شد که بر حسب حوائج وزارت جلیله داخله، تحویل و قیمت آن را مطابق قیمتی که وزارت جلیله داخله، معین خواهد فرمود، به هر کس آنچه تحویل می‌شود، قیمت آن را نقد دریافت می‌نماید.

۴. مخارج حمل و نقل و مامورین از جمله حقوق اجزای مخصوص این کار و مخارج مخابرات و کرایه انبار و غیره، به عهده وزارت جلیله داخله خواهد بود و تجارت نخانه، برداشته و در حساب، صورت خواهد نمود.

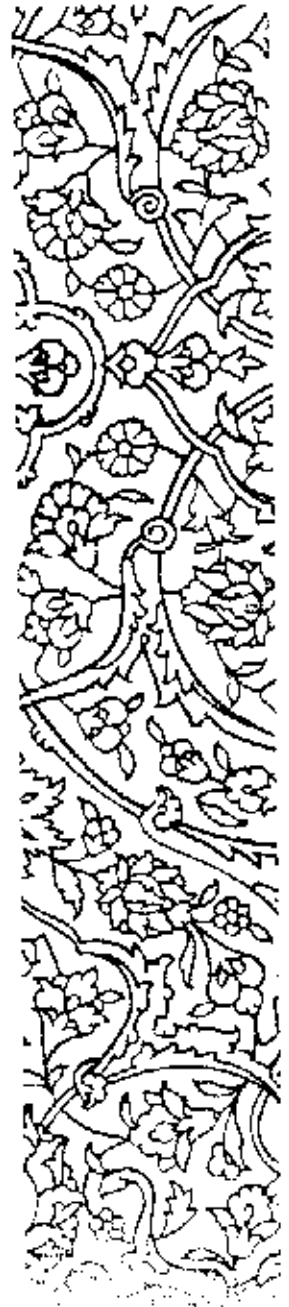
۵. هرگاه خدای نخواست نسبت به برنجهایی که تجارت نخانه، برای دولت در نحت نظر مامور وزارت جلیله داخله انبار نموده است، غارت یا حریق واقع شود و یا از طرف اشخاص، ضمانت در حمل (شود) او یا برنج را ضبط نمایند، تجارت نخانه، مسئولیت ندارد و وجه قیمت آن، با مخارجی که از هر جهت به آن مال تعلق گرفته باشد، به عهده دولت است و در هر حمل، هر مقدار برنجی را که انبار می‌کند، باید صورت آن را به وزارت جلیله داخله، اطلاع بدهد.

۶. هرگاه وزارت جلیله داخله، از این مقدار برنج، مقداری را برنج صدری بخوانند، باید قبلاً به تجارت نخانه اطلاع داده و قیمت آن را علیحده معین فرمایند.

۷. در بدو کار و در موقع امضای این کتکرات، وزارت جلیله داخله، مبلغ یکصد هزار تومان به تجارت نخانه، اعتبار معین خواهند فرمود که پس از آنکه معادل این وجه، برنج به ضمیمه کرایه آن وارد دارالخلافه نمودند، اعم از اینکه برنج، فروش رفته باشد یا خیر، مجدداً وزارت جلیله داخله، اعتبار را تجدید نموده، یکصد هزار تومان دیگر اعتبار خواهند داد تا به این ترتیب، تمام مقدار برنج، تحویل شود و هر مبلغ از فروش برنج، تجارت نخانه دریافت نماید، از باب اعتبار ثانی محسوب خواهد شد.

۸. هرگاه وزارت جلیله داخله، مقداری از این برنج، که هنوز حمل نشده است، لازم نداشته باشد، باید یک ماه قبل به تجارت نخانه اطلاع بدهند که حمل ننمایند.





۹. حمل و نقل این برنج، به تصویب وزارت جنبه داخلی به عهده تجار تخانه و انگلار می شود؛ به این معنی که مطابق کرایه روزانه، کرایه ناده و حمل نمایند. کارگزاران وزارت جنبه داخلی، همه نوع همراهی را در پیشرفت حمل و نقل، چه در محل و چه در راه خواهند فرمود و کلیتاً مساعدت‌های لازمه را معاینه خواهند فرمود. سواد مطابق اصل است. [امضا] امیر اکابینه ریاست عالیّه (۶۶)

[سند شماره ۷]

آرم شیر و خورشیداریاست وزراء، شماره ۵۸۱، به تاریخ ۲۰ برج قوس ۱۳۳۶

وزارت جنبه مایه

در جلسه دوم قوس، مطابق هشتم صفر ۱۳۳۶، کترات حمل ده هزار خروار برنج، از مازندران به تهران، که فیما بین وزارت جنبه داخلی و میر الکساندرخان، رئیس تجارتخانه تومانیاس در تهران منعقد گردیده، در هیئت وزرای عظام، قرائت و به شرایط مندرجه در کترات، مبادله و اجرای آن، تصویب گم دید. آن وزارت جنبه، یکصد هزار تومان قسط اول کترات را برساند و مدلول کترات را، که صورت آن، به وزارت مایه فرستاده می شود، از زمان گرفتن بقیه اقساط به تعویل گرفتن برنج، به موقع اجرا بگذارند. نویسنده، در کابینه ریاست وزراء، ضبط است. [امضا] امیر اریاست وزراء [امضا] ادر حاشیه، آمده است. [اداره محاسبات کل اجرای مدلول حکم صادره را در نظر گرفته، صورت قرارداد را هم از کابینه ریاست وزراء و یا وزارت داخله بخوانید و نیز مطابق یادداشتی که قبلاً به آن اداره فرستاده شده، تعلیماتی به تجار تخانه تومانیاس، برای دادن صورت یومی از وارد و صادر برنج، بدهند. ۲۲ قوس [امضا] (۶۷)

[سند شماره ۸]

آرم شیر و خورشیداریاست وزراء، شماره ۷۷۲۰، به تاریخ ۲۱ برج حوت ۱۳۳۶

نظر به نادرک آسایش عمومی و فراوانی ارزاق تهران، بر حسب تصویب هیئت دولت، برای تهیه برنج از رشت، مابین وزارت داخله از یک طرف و جناب حاجی محمدباقر تاجر کاشانی از طرف دیگر، به وکالت از جناب حاجی آقا رضا زاده، مواد مشروحه ذیل، مقرر گردید و مواد، مزبور بدون هیچگونه تخلف، واجب الاجراست: ماده اول: تاریخ این قرارداد، از روزی است که قسط اول مذکور در ماده هفت از طرف دولت پرداخته شود و مدت قرارداد، سه ماه خواهد بود. ماده دوم: مقدار برنجی که باید در ظرف مدت مذکوره، در ماده فوق در رشت و توابع از آنجا خوانا تقسیم شده و تهیه و در شهر برای حمل به تهران حاضر بشود، چهار هزار خروار به وزن تبریز است. ماده سوم: تعیین رقم جنس برنج، مطابق نرخ روز هر قسم که ارزاق تمام می شود، به اختیار وزارت مزبوره می باشد. ماده چهارم: خرید برنج برای دولت، به منظور امانی خواهد بود. آقای حاجی آقا رضا زاده، متعهد است لازمه جذبیت را در ادای مراتب، امانت و صرفه جویی بنماید. ماده پنجم: تمامی مخارج متعلقه به خرید برنج از حث حمل از بلوک به شهر و حملی و تهیه ظرف و کرایه تیزی، که به برج مزبوره، بعد از خرید در آنجا می ماند و معارج تلگرافات، بر عهده دولت است. ماده ششم: آقای حاجی آقا رضا زاده، مکلف است مظنه ابتدای هر رقم برنج را توسط آقای حاجی محمدباقر تاجر، به وزارت مزبوره تلگرافاً اطلاع بدهد و در هر موقع نیز، که تغییر مظنه حاصل شود، بلافاصله تلگرافاً وزارت مزبوره را مستحضر نماید. ماده هشتم: دولت برای مقدمه تصویب، مبلغ بیست هزار تومان نقداً توسط حاج محمدباقر، به آقای حاج آقا رضا زاده می پردازد. همین که معادل پانزده هزار تومان آن مبلغ را در رشت، برنج، تحویل کترانچی حمل نماید، مجدداً دولت، معادل





همان مبلغ (باززده هزار تومان) را به مشارالیه می‌پردازد.

ماده هشتم: آقای حاجی آقارضا زاده، نسبت به هر مقدار خریدی که خریده و به کتراتیجی محل تحویل نماید، از قرار خرواری هفت قرآن به عنوان حق العمل محسوب نمود و به استثنای مخارج مذکوره در ماده پنج، بقیه مخارج از قبیل حقوق عملی که برای خرید به بلوک اعزام می‌شوند و حقوق اجزای داخلی و کاغذ و پاکت و امثال آن، برعهده خود حاجی آقارضا زاده می‌باشد.

ماده نهم: در هر موقع که دولت مفتض بداند و اجازه دهد، آقای حاج آقارضا زاده، مکلف و متعهد است به قدر لازم و بدراحت صرفه جویی، وسایل حمل را فراهم آورد و هر مبلغ از بابت پیش‌کرایه و پس‌کرایه لازم گردد، پرداخت آن، برعهده دولت است.

قبصره و در صورتی که مشارالیه، مجاز، رسمی شود، باید یک نفر نماینده از طرف خود، در تهران حاضر و معرفی نماید که بارهای ویژه را تحویل کارگزاران دولت داده و رسید دریافت نماید.

ماده دهم: مقداری که آقای حاج آقارضا زاده، در رشت تحویل کتراتیجی محل می‌نماید، باید در رسید دریافت و ارسال به تهران نماید که به توسط نماینده مشارالیه، به وزارت مزبوره، تسلیم و رسید دریافت می‌شود و همان سند، به خرج دولت خواهد آمد.

ماده یازدهم: در صورتی که آقای حاج آقارضا زاده، برای دولت نیبه برنج می‌نماید، نباید برای خود یا دیگری مستقر یا یا غیر مستقیم خرید برنج نماید.

ماده دوازدهم: هر موقع دولت، مصمم شود که دیگر برنج تهیه نشود، از باززده روز قبل به آقای حاج آقارضا زاده با وکیل او ابلاغ رسمی نموده، در این صورت، هر مقدار تا آن تاریخ تهیه شده و باقرار دادی از آن بابت بسته شده باشد، متعلق به دولت بوده و آقای حاج آقارضا زاده، مکلف است تمام را در رشت در محل حمل، تحویل کتراتیجی نماید.

ماده سیزدهم: در صورتی که اجازه حمل به آقای حاجی آقارضا زاده داده شود، باید آنچه حمل می‌نماید، به موجب بارنامه و [ناخوانا] نامد رسمی دولتی باشد که به مشارالیه سپرده خواهد شد. در این صورت، اجازه نخواهد داشت هیچگونه بازاری را جز برنج دولت، با آن نام حمل نماید.

ماده چهاردهم: بارعبایت ماده سیزدهم، هر گونه مخاطراتی که در عرض راه به برنج حادث شود، مسئولیت، برعهده آقای حاج آقارضا زاده نخواهد بود.

ماده پانزدهم: هر گاه در محل خرید، از برنجی که برای دولت خریداری شده و در انبار است، آسیبی به انبار برنج حادث شود که چاره حفظ آن از حدود اطلاع و قدرت و [ناخوانا] حاج آقارضا زاده خارج بوده، مسئولیتی نخواهد داشت؛ مشروط بر اینکه برای اثبات بی‌نقصیری خود، اسامی مثبت در دست داشته باشد و در دفتر خریداری حاج آقارضا زاده، قبلاً خرید آن ثبت شده شد.

ماده شانزدهم: آقای حاج آقارضا زاده می‌تواند چهار هزار خروار را و در از سه ماه خریداری نماید، ولی به هیچ وجه نباید از آن مدت تجاوز نماید.

ماده: قرارداد حاضر [ناخوانا] آن نوشته شده و هر یک نسخه، نزد دیگر طرف ضبط خواهد شد. [امضا و مهر ناخوانا] صحیح است. نقل حاج محمد آقا سید علی [مهر] محمد باقر (۶۸)

[سند شماره ۹]

بهمن بهرام پارسسی، شعبه راه شوسه انزلی، تهران و قزوین، همدان، شماره ۱۳۲۹
تاریخ ۱۹ برج حوت ۱۲۹۶

این بنده، بهمن بهرام، مقدار چهار هزار خروار برنج از رشت حمل کرده و به مدت سه ماه، به انبار دولتی تحویل می‌نمایم. کرایه، از قرار خرواری ۲۹ تومان دریافت می‌شود. طرف حمل برنج کتبه [ناخوانا] دولت خواهد بود. شرایط جزئی به تصویر و صلاحیت طرفین، به موجب کترتت جداگانه، منعقد خواهد گردید. اعتبار این ورهه، الی سه روز است.

اقل بهمن بهرام [امضا] (۶۹)





[سند شماره ۱۰]

- چهار هزار خروار برنج، از رشت به تهران مال دولت علیه ایران حمل می نمایم به مدت سه ماه از تاریخ کنترات و شرایط محل و کرایه، از قرار ذیل است:
۱. کرایه هر یک سه من تبریز، از قرار خرواری سی و پنج تومان.
 ۲. ظرف و اناخوانا به عهده دولت خواهد بود.
 ۳. عدلهائی که در رشت تحویل داده خواهد شد، باید تمام سر به مهر و وزن هر عدلی، در روی کیسه ها نوشته شود.
 ۴. در صورتی که درست بودن مهر روی کیسه ها، به واسطه هر طریقی هوای رشت از برای هر کیسه دولت باید یک من تبریز ملاحظه فرماید. اگر کیسه ها پاره شده باشد، کسری آنها، به عهده این جانب خواهد بود.
 ۵. باج راه نیاب و ذهاب به عهده دولت علیه خواهد بود.
 ۶. از برای هر کاری پنج عدد جونس از طرف دولت داده شود که هر گاه در بین راه، کیسه ها پارگی پیدا نماید، عوض شود.
 ۷. کلیه کرایه چهار هزار خروار برنج، در شش قسط، که هر پانزده روزی یک قسط باشد، دریافت خواهد شد.
 ۸. هر گاه کاریها، بیش از یک روز برای ورود به رشت معطل شود، از بابت نرسیدن بار، دولت باید از عهده مخارج آنها برآید.
- توضیح آنکه هر گاه تنگی برای مردم دست بدهد، این جانب حاضریم که مدت دو ماه و نیم تمام برنج را وارد نمایم. میرحسوز بوسف [مهر ۷۰]

[سند شماره ۱۱]

[آرام شیر و خورشید] وزارت مالیه، کابینه وزیر، نمره ۸۹۷، به تاریخ ۱۰ شهریور حمل ۱۳۳۶

- قرارداد حمل چهار هزار خروار برنج از رشت به تهران که بین وزارت مالیه و آقای حاج محمدرضا تاجر و شنی، معروف به رضوی، تبعه دولت علیه ایران، موافق مواد ذیل مقرر گردیده است:
- ماده اول: آقای حاج محمدرضا، به فید التزام منعقد می نماید که از تاریخ اوگ حمل ۱۳۳۶ [ق.ا]ی سه ماه، مقدار چهار هزار خروار برنج به وزن تبریز، از رشت به تهران حمل و تحویل نماید.
- تفسیر: میزان حمل ماهیانه به شرح ذیل است. ولی هر گاه برنج، حاضر باشد، باید سعی نماید که زودتر از سه ماه، حمل و تحویل دهد.
- ماه اوگ ۱۳۰۰ خروار، ماه دوم ۱۳۰۰ خروار، ماه سوم ۱۴۰۰ خروار، [جمع] ۴۰۰۰ خروار.
- ماده دوم: کرایه حمل برنج از رشت به تهران، از قرار خرواری بیست و شش تومان قطع شده است.
- ماده سوم: از بابت پستی کرایه برنج، نه هزار تومان در بدو امر و نه هزار تومان پس از تحویل دادن یک هزار و سیصد خروار و ده هزار تومان بعد از تحویل شدن دو هزار و شش صد خروار، که میزان دو ماه باشد، باید به آقای حاج محمدرضا تحویل شود. ولی هر مقداری که حمل و در تهران تحویل می شود، باید خرواری هفت تومان از بابت و جیره مساعده فوق، کسر و بقیه به شماره، تحویل گردد.
- ماده چهارم: برنج محموله، باید با کیسه و جوال بی عیب حمل شود. در صورتی که این رعایت نشده و برنج تلف گردد، کسری، تماماً بر عهده آقای حاج محمدرضا خواهد بود.
- ماده پنجم: حاج محمدرضا، منعقد است هر رقم برنجی را که در رشت تحویل می گیرد، بدون تغییر و دست خوردگی، عین آن را تحویل دهد و در صورت مخالفت، تفاوت قیمت را باید بدون عذر، کارسازی دارد.
- ماده ششم: در هر نوبت، هر مقدار برنج که تحویل می شود، باید یک کیسه نمونه آن مهور به مهر و لاک تحویل دهنده، که با حضور نماینده آقای حاج محمدرضا، مهر و لاک خواهد شد. همراه بیاورند که آن نمونه، رقم جنس برنج را بشناساند.
- ماده هفتم: هر مقدار برنج، که در راه تلف و حیث و میل شود، بر عهده کنتراتی است که معادل آن را، عین همان رقم تحویل دهد.

ماده هشتم: آقای رضا زاده، نماینده آقای حاج محمدرضا، باید هر روز، که تحویل دهنده برنج است، باید همیشه پنج روز قبل کتابه کنتراتی اطلاع دهد که بعد از پنج روز، چه مقدار برنج برای حمل تحویل خواهد داد. چنانچه در موعد مقرر تحویل نشد، و از پنج روز هم تجاوز نمود، در صورتی که وسایل حمل کنتراتی موجود باشد، هر چند روزی که از پنج روز

ثانی بگذرد، در هر روزی، خرواری یک تومان به اندازه بازگیر، باید به کترانجی پرداخت شود؛ ولی مشروط بر این است که کترانجی، وسایل حمل موجود خود را، کتابه اداره مایه محل اطلاق داده و از اداره مزبور، عده مال حاضره و مدت مطلق بعد از پنج روز را تحصیل تصدیق نماید.

ماده نهم: در هر موقع که دولت، از حمل منصرف گردد، باید ده روز قبل رسماً به آقای حاج محمدرضا اطلاع بدهند که اگر وسایل حمل موجود داشته باشد، به کار دیگری مشغول دارد، چنانچه این رعایت شود و در صورت حاضر بودن وسیله حمل، خسارتی به کترانجی متوجه آید، جبران آن بر عهده دولت خواهد بود، ولی در صورتی که وسایل حاضره حمل برای دیگران بازرگانی نمایند، هیچ گونه تعصیبی به وزارت مالیه نخواهد بود.

ماده دهم: هر گاه حاج محمدرضا، برخلاف مقررات این قرارداد، رفتار و برنج را در مواقع مقرر در تهران تحویل ندهد، نسبت به هر مقداری که به عهده تاخیر مانده، از قرار هر خرواری یک تومان در هر روز، باید بدون عذر تادیب نماید.

ماده یازدهم: در صورتی که برنج تحویلی در رشت یا در راه، دچار غارت و سرقت شود، که حفظ و دفاع آن را، مأمور حمل، قادر نبوده، و معلوم شود که از غفلت او یا ناخوانا نشده است، و برای ثبوت اظهار خود اسناد مثبت صحیح ارائه دهد، البته مسئولیتی نخواهد داشت. ولی در صورتی که بلافاصله وزارت مالیه را در وقوع حادثه آگاه کرده و ضمناً مقدار برنج [ناخوانا] نیز، در دفتر نماینده کترانجی در رشت، ثبت شده باشد.

ماده دوازدهم: هر گاه در رشت یا در عرض راه، موانع سیاسی و محظوراتی، که رفع آن، بهسبب ممکن نگردد، رخ بدهد که حمل برنج، مقدور نباشد، البته طرفین از سبب و الزامات مقرر، بری بوده و فقط آنچه حمل شده است، احتساب گشته و هر مبلغی که وجه نزد آقای حاج محمدرضا، مسا باشد، باید بدون عذر به صندوق دولت تسلیم دارد.

ماده سیزدهم: وجهی که بابت رشت، به عنوان اعثه و غیره از برنجهای تجارانی دریافت می دارد، بر عهده وزارت مالیه است که اخذ آن را، راجع به این چهار هزار خروار دفع نماید.

ماده چهاردهم: حملاتی برنج و کبسه زنی در موقع تحویل دادن به نماینده کترانجی، یعنی برنجی که بدون کبسه تحویل کترانجی می شود، بر عهده وزارت مالیه است و موافق قبوض کترانجی، که کبسه دار و بی کبسه باید در آن ذکر گردد، محسوب خواهد شد. حملاتی انبار تهران نیز، به عهده کترانجی خواهد بود.

ماده پانزدهم: تهیه تیس از نو و کهنه، که حتی الامکان باید کبسه کهنه محکم خریداری شود به اندازه لزوم، به امانت آقای حاج محمدرضا، اگزار می شود که موافق صرفه دولت، خرید و قیمت آن را دریافت دارد، ولی پس از ختم امر، باید تیس خریداری را اعم از سالم و باره، تماماً تحویل نماید.

تیسره: چون قسمتی از برنج با کبسه به کترانجی تحویل می شود، لازم است کترانجی، در قبض رسید برنج، کبسه را ذکر نماید تا در موقع رسیدگی به حساب، تیس آن معلوم باشد.

ماده شانزدهم: برنجی که کترانجی با کبسه تحویل می گیرد، مکلف است که در بی عیب بودن آن، دقت نماید و ماده چهارم را در نظر داشته باشد.

ماده هفدهم: این قرارداد، نسخه آن نوشته و امضا شده و هر نسخه، نزدیک طرف ضبط می شود. [در حساب، آمده است، وزارت جلیله مالیه، این قرارداد را به موقع اجرا گذارد. (امضای ناخوانا)]

حاج محمدرضا، شنبه دهم ح ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ق ۱

ضمیمه ماده اول

مدیر مزبور، به قید التزام به عهده می نماید که از تاریخ اول برج حمل ۱۲۹۷ الی چهارماده، به قرار چهار هزار خروار برنج به وزن تبریز، از رشت به تهران حمل و تحویل نماید. هر گاه در آخر هر برجی به هر فرا کسری از هزار خروار تحویل دهد، خرواری یک تومان مدیر مزبور، باید مجاناً بدهد و همین طور بازرگانی از قبیل شتر و گاری و غیره، که در محل بار در رشت حاضر می شود، علاوه بر سه روز که یک روز برای ورود و یک روز برای بازرگاری و یک روز برای خروج بیشتر معطل نشود، هر گاه علاوه بر این سه روز، متصدیان دولت، که در رشت، برنج تحویل می دهند، هر قدر مکاری آنجا معطل شده، هر روزی خرواری یک تومان از طرف دولت باید به مدیر کترانجی مرحمت شود که به مکاری داده تا خسارت مخارج بار، دامنگیر مکاری نشود؛ مشروط بر اینکه روز ورود، هر دسته با ناخوانا [وار در رشت] می شود، کتابت نماینده مدیر کترانجی، به اداره مالیه یا نماینده ای که در رشت هست، اخطار نماید.

پنج ... از رشت به تهران به عهده دولت خواهد بود، در قزوین نارشت، هر گاه جهت نماینده کترانجی، زاندامری در موقع لزوم محتاج شود، باید دولت با مشارالیه مساعدت نماید و یومیه زحمتی نگردد و کرایه برنج، که از رشت بهرور حمل می شود، بعد از وضع خرواری پنج تومان پیش کرایه، نصف در رشت و نصف در تهران پس از تحویل دادن بار، بدهند. (۷۸)



شرح	مقدار		مبلغ
	من	خروار سیدمه	
- از مازندران خریداری شده، کلیتاً از قرار خرواری ۳۲۱/۲۵ قران	-	۲۰۰	۶۴۲۵۰۰
- کرایه نهصد و پنج خروار و هشتاد و چهار من و نیم از مازندران به تهران که تا به حال وارد تهران شده است	-	-	۲۷۴۸۳۹
- کرایه یک هزار و نود و چهار خروار و پانصد من و نیم که بین راه و در مازندران موجود است و متدرجاً خواهد رسید. هالی التخمین	-	-	۳۵۰۱۲۹
- مخارج از قبیل مواجب اجزا و قیمت گونی خریداری [شده] و مخارج متفرقه، علی التخمین	-	-	۳۰۰۰۰
جمع کل	-	۲۰۰۰	۱۲۹۷۲۶۹
حسب الامر حضرت اشرف آقای حاج مخبر السلطنه و کمیسیون محترم ارزاق، به صیحت پزها و جناب آقای آقامیرزا محمود اصفهانی، تحویل داده شده و قیمت آن، از قرار سی و پنج تومان دریافت گردیده است.	۵۸۰	۴۱۰	۱۴۳۷۰۳
باقی طلب تجارتخانه	-	-	۱۱۵۳۷۶۶



صادری			واردی		
مقدار	شرح	سیر	مقدار		شرح
			خروار	من	
۳۶۷	از ابتدا الی هشتم ربیع الاول ۱۳۳۶، در وجه صیحت پزها پرداخته شده و صورت ریز آن، عنجده تقدیم شده	-	۹۰۵	۸۴	از ابتدا الی تاریخ هشتم ربیع الاول، ۱۳۳۶، وارد قنبار شده است
۹۸	در وجه جناب آقای آقامیرزا محمود اصفهانی	-			
۲۰	در وجه کمیسیون خبریه برای دارقاسکین	-			
۴	در وجه اداره محترمه تواقدخانه	-			
۴۸۹	موجودی قنبار، الی تاریخ هشتم شهر ربیع الاول ۱۳۳۶	۲۰	۹۰۵	۸۴	
۴۱۶		۸۴			
۹۰۵		۲۰			

[گزارش شماره ۲۱]

مصاحبه با الکساندر تومنیانس، راجع به خریداری پومج

مخبر مخصوص ما، روز گذشته بعد از ظهر [چهارشنبه ۵ صفر ۱۹۱۱] با مسیو الکساندر خان، مدیر محترم تجارتخانه
تومنیانس ملاقات و سنوالات ذیل را نموده است:





۱. آیا دولت، خریداری برنج را از جناب عالی تقاضا نموده‌اند و مقداری که مقرر شده که ابداع بکنید، چقدر است؟
[جواب:] بلی، مقدار ده هزار خروار برنج کرده و صدری، به طریق امانت خری.
۲. آیا قراردادی، فیما بین ردوبدل شده است؟
[جواب:] تاکنون قراردادی ردوبدل نشده، امسب محتمل است قرارداد نوشته و ردوبدل شود.
۳. این مقدار جنس را، تا چه مدت وارد تهران می‌کنید؟
[جواب:] به مرور تا شب عید.
۴. برای حمل و نقل، اقداماتی در نظر گرفته‌اید؟
[جواب:] بلی، اقداماتی شده و چندان اشکالی در بین نیست.
۵. آیا از سابق هم خودتان، برنج خریداری نموده‌اید؟
[جواب:] بلی، چون عسرت اهالی را شخصاً حس کردم، مقداری برنج خریداری کردم که پانصد خروار آن وارد شده و بقیه، به مرور می‌رسد.
۶. برنج را، به چه قیمت ابداع نموده‌اید؟
[جواب:] آنچه تاکنون وارد شده، با کرایه، خرواری چهل و پنج تومان تمام شده است.
۷. این ده هزار خروار را، از چه نقطه خریداری می‌کنید؟
[جواب:] عملاً تا این ده هزار خروار را، از مازندران تهیه می‌کنم. برای خریداری برنج از گیلان، اشکالات و موانعی است که اکنون موفق به خریداری از آنجانی نتوانم بشوم. ولی امیدوارم پس از رفع مشکلات، ده هزار خروار دیگر هم، از طریق گیلان تهیه کنم. (۷۳)

[گزارش شماره ۲۲]

دمپخت

برحسب پیشنهاد آقای حاج مخیرالسلطنه و تصویب هیئت وزراء، مقرر شده، روزی تا مقدار سی خروار برنج درشش نقطه شهر، دمپخت تهیه شود. برای هر یک خروار برنج، بیست و پنج من گوشت و بیست و پنج من باقلا مصرف شود و دمپخت، به مدیریت آقای میرزا محمود، مدیر شرکت متفق، به مصرف فقرا برسد. از روز گذشته، بیست خروار برنج برای دمپخت داده شده، نان آزاد باشد که به هر قیمتی که برای خیابان تمام می‌شود، بفروشد و دولت، چندان ضرری نکند، جز ضرر قیمت برنج. صد هزار بلیطی که برای فقرا تهیه شده بود، قسمتی برای نان داده شده و بقیه بلیطها را هم، به اشخاصی که دمپخت می‌خرند، می‌دهند که در تقسیم آن تقلب نشود.

از روز گذشته چند دکان خیازی، که از دولت جنس می‌گیرند، نان را چهار قران و دو عباسی فروخته‌اند. ولی معلوم نیست دولت، برای خیابانهای متفرقه، که نان را به قیمت خیلی گران می‌فروشند، چه تدبیری اندیشیده.

چند روز است اعضای کمیسیون اوزاق، حاضر نمی‌شوند. علت، غیر معلوم است. عصر روز گذشته، کمیسیون دارالمساکین، در دارالحکومه منعقد و مشغول تهیه نظامنامه وظایف مدیر و اعضا بودند.

عده‌ای که تاکنون از طرف کمیسیون مرکزی خیریه به دارالمساکین جلب شده، متجاوز از سیصد نفر است.

تعمیر حمام دارالعجزه، تمام شده است.

آقایان ذیل اعانه تقبل نموده‌اند که هر ماه، برای مصرف فقرا بپردازند:

آقای بهدار اعظم دویت تومان و آقای سردار محتشم دویت تومان نقد پرداخته‌اند. آقای مستوفی المعالک صد تومان، آقای حاجی معین بوشری پنجاه تومان تا هفت ماه، به علاوه حاجی معین، پانصد تومان برای مصارف مریضخانه تقبل فرموده‌اند. (۷۴)



گزارش شماره ۲۳

وضعیت ارزاق تهران

برحسب پیشنهاد وزارت مالبه و تصویب هیئت وزراء، روز شنبه گذشته (۲۲ صفر) جنسی که به وزاوتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، خیابان و غیره داده می‌شود، از فرار خرواری شصت تومان محسوب خواهد شد. سه شعبه که هر روزی سی خروار نان پخت می‌کردند، از فردا منحل و تمام دقاکین، شروع به پخت نان گندم نموده که بدون استناد قرار یک من چهار قران و سه عباسی بفروشند. فقط دولت، ضرر برنج را برای رفاهیت فقرا می‌دهد.

دبخت دولتی

از روز شنبه (۲۵ صفر) در نقاط ذیل، شروع به پخت نموده‌اند:

محل	تقدیر جزء
غرب مسجد شاه	آقامیرزا حسن
پایتاز	آقا سید مصطفی
میدان محمدیه	حاجی سید صراف
سرچشمه	آقا محمد ابراهیم
میدان مال فروشها	حاج محمد حسین شال فروش

همه این اشخاص، داوطلبانه و مجاناً برای خدمت به عموم، این شغل را متقبل شده‌اند. مدیر کل آقامیرزا محمود، شرکت متفقانه است.

روزی دوازده خروار برنج پخت شده و به قراری که تحقیق شده، دولت، حداکثر بخت را روزی بیست و چهار خروار معین فرموده.

باز یک خروار برنج، ۲۵ من گوشت، ۱۵ من باقالی، ۲۰ مثقال زعفران، ۳۰ مثقال زردچوبه، ده سیر دارچین، ۲۰ من پیاز، ۵ من نمک مخلوط می‌شود.

شش عدد تابلو برای شش شعبه تهیه شده، در شعبات، از قرار منی هفت عباسی، به دوره گردهامی فروشد که آنها، از فرار یک من هفت عباسی به مردم بفروشند. به تمام دبختیها، نشان منحصرص داده خواهد شد.

درد جنس

در این دو سه روزه، روزی تا سیصد خروار جنس وارد شده، به قراری که تحقیق شده، عالی دولت، هزار خروار جنس در انبار موجود دارد.

جنس عراق

نظر به رایورنی که سابقاً آقای اقتدارالدوله به هیئت وزراء داده بوده است، ملاکین، تقبل نموده اند شش هزار خروار جنس بدهند؛ چهار هزار و پانصد خروار هم از بابت مالیات می‌نوانند حاضر کنند. از طرف دولت، تعلیمات داده شد که باید ملاکین پنجهزار خروار دیگر در این موقع مساعدت نمایند. دولت نیز، خرواری یکی، دو تومان اضافه بر قیمت به آنها خواهد پرداخت. وزارت مالبه، معادل یکصد و سی هزار تومان در مالبه عراق تهیه نموده که برای خرید و حمل جنس، صرف شود. (۷۵)

گزارش شماره ۲۴

برنج و گندم

برنج و گندمی که دولت (در تهران) می‌دهد، به قرار ذیل است:
 ۱. از اوک قوس، برای مصرف دارالمساکین در هر ماه مجانی؛
 ۲. برنج هفت خروار، گندم هفت خروار، جو هفت خروار؛
 ۳. از اوک میزان، به وزارت جنگ باری مصرف بریگاد و نظام؛
 گندم روزی شش خروار به قیمت شصت تومان.
 ۴. از ۲۵ قوس بریگاد قران یومیته.



گندم چهار خروار و پنجاه من از قرار شصت تومان، برنج یک خروار،
اداره نظمیة یومیة؛

گندم چهار خروار و شصت من، برنج یک خروار، گندم برای محبوسین ۹۰ من،
۵. مضرقة؛

برای فقراء به آمریکائیا، ماهی سه خروار برنج مجانی،
کلیچها، گندم یک خروار از قرار شصت تومان.

عمر عادل هزار تومان به آقامیرزا محمود متفقہ، اختیار داده شده که برنج، از اداره محترم نومانیاس برای مصرف دمبخت
شش باب دکان، همه روزه دریافت و قیمت را روز بعد پردازد. (۷۶)

[گزارش شماره ۲۵]

از وزارت جلیله مالیه

برای ترتیب و حسن جریان طبع دمبخت دولتی، وزارت مالیه، از تاریخ ذیل، مواد پنجگانه را مقرر می دارد:
ماده اولک: در هر یک خروار برنج هشت من روغن، ده من حبوبات، ده من بلغور، یک من زردچوبه و ده من پیاز و پنج
من نمک، باید مخلوط شود.

ماده دوم: در نه محل ذیل، شعبه دمبخت یزی دولتی دایر می باشد:

پای قاپق، جمال میدان، سرچشمه، حسن آباد، بازارچه نایب السلطنه، دروازه قزوین، مسجد شاه، پانچار، صابون پرخانه.
ماده سوم: همه روزه در هر شعبه، سه مرتبه و هر مرتبه یک خروار برنج طبخ می شود. یک مرتبه، شش ساعت قبل از ظهر،
یک مرتبه، دو ساعت قبل از ظهر، یک مرتبه، چهار ساعت بعد از ظهر.

ماده چهارم: از انتشار این اعلان، فروش دمبخت بکلی آزاد بوده و تمام نواحی دمبخت فروشی منحل می شود. کلیة
شعبات، مکلف هستند دمبخت را از هر قرار هر یک منی، بگهزار و نهصد دینار به خریداران دوره کرده، فروخته و فروشنندگان
مزبور، باید هر منی دو قران یعنی چهار یکی ده شاهی بدون کسریه فروش برسانند.

ماده پنجم: از انتشار این اعلان، عسوم اهالی شهر دارالخلافه، حق تقنیش و نظارت در عمل دمبخت یزی را داشته و
می توانند کاملاً مراقبت نمایند که در هر یک خروار برنج، اجناس مذکور در ماده اولک و اجناس صحیح بی عیب مخلوط شده
و در ساعات معینہ در ماده سوم طبخ شود. به علاوه، خریداران دمبخت، باید مواظبت نمایند که کم فروش نشده و هر موقع
فروشنندگان، کم فروشی نمایند، فوراً مراتب را به آزان پست اطلاع دهند تا مرتکب، تعقیب و مجازات شود و نیز، از دوایر
مختلفه وزارت مالیه، به توبه هر روز یک نفر در هر شعبه، مأمور تقنیش دمبخت یزی بوده و مواظبت خواهند کرد که به نسبت
معینہ در ماده اولک، اجناس صحیح کار کرده و دمبخت طبخ شود.

۸ برج ثوریونت ثیل ۱۲۹۷، وزارت مالیه (۷۷)

[گزارش شماره ۲۶]

امجمع خیریه تهران

برای آسایش فقرا

تا کمال مسرت، اطلاع حاصل کرده ایم که هیشی از نوع برستان، برای تهیه مریجات آسایش فقرا، مجمعی به نام مجمع
خیریه تهران تاسیس و بدین وسیله، احساسات انسانیت پرورانه خود را نسبت به فقرا و بیچارگانی که سواست قلب هم
وطنانشان، کل وسایل استراحت را از آنان سلب نموده و حتی از عادی ترین ضروریات زندگانی محرومشان داشته، عملاً
ظاهر و رضایت خواطر خدا و خلق را فراهم آورده اند. (۷۸)





[گزارش شماره ۲۷]

آدار المساكين هیئت متحدہ خمسہ مقیم تهران

آقای مدیر محترم جریده فریده رعد!

چون در تحت توجّه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه آقابان و اهالی خمسہ مقیم تهران، لزوم اتحاد و اتفاق و احساس نموده، انعقاد جلسات و اجتماع عمومی در شهر ذی حجه ۱۳۳۵ ق. اموفق به این نیت مقدّس شده، یک هیئت نه نفری از میان خردشان به اکثریت انتخاب نمودند. اوکین اقدامی که این عضو عامنه به کمک و اعانت آقابان زنجان نموده، تاسیس یک باب دار المساکین است که در جنب بازار پنه حاجی آقا محسن، که سابقاً مدرسه جوادیه بود، نموده که فعلاً پنجاه نفر از فقرای بی دست و پاره، از اوک شهر جاری اربیع الاول ۱۳۳۶ ق. ادر آنجا پذیرفته و بانهایت دقت، از آنها مواظبت و پذیرائی می شود و برای هر کسی که بخواند به رای العین مشاهده نماید، ممکن است که به محل مرپور، رجوع فرماید.

تقاضای درج این ویژه راه در گرامی نامه خود، می نمایم.

هیئت متحدہ خمسہ مقیم تهران (۲۷)

[گزارش شماره ۲۸]

برای فقرا

عصر جمعه [۱۸ ربیع الثانی]

بر حسب دعوتی که قبلاً از طرف آقای مصمم السلطنه شده بوده، عده ای از محترمین، در مسجد سهیلا در حضور به هم رسانیدند. بیانات مفصلی از طرف واردین، در خصوص لزوم همراهی با فقر اظهار و حاضرین، هر یک مبلغی متعهد شدند که ماهانه بپردازند. در آن جلسه، یک هزار تومان تقدیم شد. ولی برای تهیه اساس، پس از تبادل افکار، پیشنهاد ذیل را حاضر نمودند که به هیئت وزرا تقدیم شود:

۱. مجلسی از صلحای محلات، در دارالحکومه تشکیل شود که اغنیاء و فقرای محلات را تعیین نمایند که هر کس مساعدتی در این امر بخیر بنماید.
۲. اشخاصی که بدون تقبل خدمت، اضافه از سیصد تومان حقوق دولتی دارند، سه ماه حقوقشان را برای کمسیون خیریه تخصیص دهند.
۳. تشکیل بلدیة قانونی، که ترتیبی برای اجناس قرار دهد، که به اهالی، تعلی و اجحاف وارد نشود. (۸۰)

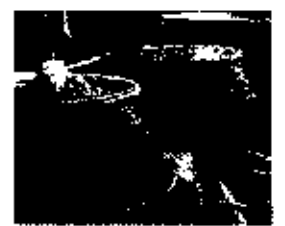
[گزارش شماره ۲۹]

در تهران

کمسیون خیریه، در دارالحکومه منعقد و تا اوایل شب مشغول مذاکره بودند. به قراری که تحقیق شده، عده فقرائی که قبول شده اند، تا امروزه به هزار و دویست نفر رسیده و در صدد تهیه مکان برای هزار نفر دیگر می باشند.

از طرف حکومت، برای فقرا، مساجد ذیل معین شده است:

- مسجد سراج الملک، چراغ برق، مسجد کوچک خراسانیها، ناصریه، مسجد سهدار، محله عربها، مسجد همت آباد، حسن آباد، مسجد شاه آباد، شاه آباد، مسجدها، بخاری گرم شده، شام و نهار، هم دمبخت، به فقرا داده می شود.
- از طرف حکومت، به وزارت داخله پیشنهاد شد برای فقرائی که قدرت ندارند، یک محلی معین شود که مصرف کفن و دفن اموات فقرا بشود. به تمام غسلها ابلاغ شد که جنازه فقرا را کفن و دفن بنمایند و مخارج آنها، پرداخته خواهد شد.
- از طرف آقای مشیرالدوله، بانصد تومان برای مصارف فقرا، به کمسیون خیریه تأذیه شد. (۸۱)



لزوم اهتمام برای ارزاق عمومی

قضیه آذوقه و ارزاق عمومی، یکی از عمده ترین قضایائی است که بدون شبهه، مداخلت شایانی در جریان سیاست مملکت ما خواهد داشت.

قابل انکار و استار نیست که نه تنها غلات و حبوبات، بلکه سایر مایحتاج عمومی، از صدر تا ذیل کمیاب شده، ترقی کرده و اهالی صنک، در اغلی از نقاط، دچار اندیشه واضطراب گردیده اند. شک نیست که یک قسمت از عسرت و کمیابی ارزاق، به واسطه خشکالی و قسمت دیگر، به واسطه انتقال جنگ به داخله ایران و خرابی دهات و پراکنده شدن رعایاست. ولی اگر قدری غور و تعمق در این موضوع شود، کاملاً منهود می گردد که یکی از عمده ترین علل آن، احتکار ارزاق است که از چندین طریق، این عمل نامشروع، پیوسته کسب شدت می کند.

این نکته را فراموش نباید تا گفته گذارد که از ابتدای بهار، همین که خشکالی و احتمال عسرت در سرخرمن احساس شد، می بایستی بلافاصله از روی مأل اندیشی درصدد برآمد که به وسایل مختلفه از قبیل تهیه اجناس و تحت نظارت قرار دادن محصولات فرا و قصبات، یک تدارک کافی برای هذه السنه به عمل آمده باشد. این مسئله، صورت نیافت و ترقی دائم التزاید قیمت ارزاق باعث دویشامد گشت. یکی آنکه مالکین، در سرخرمن گرماگرم، غلات خود را جمع آوری و در انبارها و نقاط مخصوصه انبار نموده، به هیچ وجه برای فروش حاضر نشدند.

دوم آنکه یک قسمت از سرمایه داران و تجار، که به واسطه بهران نجارت داخلی و خارجی، کم و بیش پول بیکاری داشتند، برای خرید گندم و جو و سایر اشیای مایحتاج عمومی، حاضر کرده و در شهر و دهات، به فوریت مشغول خرید غلات گردیدند.

این قضیه، مانع از آن گشت که مردم یا دولت، بتوانند مناسب با احتیاجات اهالی، گندمی تدارک نمایند و اجاره املاک خالصجات و مالیاتهای جنسی هم کفایت نمی کرد.

به هر حال، با تصدیق به کم بودن غله و خشکالی، باید دانست که یک قسمت عمده عسرت کنونی، مصنوعی است و چنانچه هیئت دولت، با یک نوع جدیت شایانی درصدد حل آن بر نیاید، در زمستان آینده و بهار، با مشکلات فوق العاده خطرناکی مواجه خواهند نمود.

اقدامات کوچک، عملیات محدود و صورت نوشن، که فلان مقدار گندم و برنج از فلان نقطه تدارک خواهیم کرد، کفایت نمی کند و گندم انبار و خالصجات دولتی، برای تهران تا مدت مدیدی کافی نبوده و به علاوه، برای سایر نقاط، علاجی باید اندیشید.

به عقیده ما، به فوریت یک تصمیم خیلی سختی برای منع احتکار باید از جانب دولت، اتخاذ گردد. تصور نمی رود که یک قانونی فعلاً یافت گردد که افکار عامه، تا این درجه خواهان و طرفدار اجرای آن باشد و پشتیبانی ملت، بهترین وسیله پیشرفت منع احتکار است. برادر این موضوع مخصوص، تمام مردم، سجاناً کارکن و مفتش دولت و اداره ارزاق خواهند بود. کلیه ملت، خود را معاضد هیئت دولت برای اجرای این قانون، معرفی خواهند کرد.

به عقیده مطلقین، آذوقه، به قدر کفایت ناسال دیگر در ولایات ایران موجود است تا بیش از این مجتکرین، غلات را پنهان نکرده، تازه بر این، مشکلات، ما را احاطه ننموده، دولت، به فوریت باید داخل اقدامات جدی تر شود. (۸۲)

[گزارش شماره ۳۰]

سختی آذوقه در ارومیه

موتقی، از ارومیه می نویسد:

حقیقتاً اوضاع ارومیه، به نحوی است که انسان، از دیدنش خون می گیرد. گرانی و قحطی، به درجه ای رسیده که دو ماه دیگر، باید اهالی، دست از اهل و عیال کشیده و به بیابانها و سایر نقاط مهاجرت کنند. یک من گندم از اطراف وارد نمی شود. محال است، کلیه بیران، دهات تماماً خرابه، کمیسیون آذوقه بعد از زحمت به توسط مفتش و مفتشه ها، ده قفیز از خانه ها و از جاها گندم بیرون آورده، روزی هشتاد قفیز، گندم به خیابانها می دهند. جلوه دکاکین، قیامت است. این طرف گندم دادن هم نادر ماه ممکن است تهیه کرد. بعد از آن، ملاحظه فرمایید چه خواهد شد؟ به غیر از نفوس شهر و غیر از مهاجرین دهات





جلوها اکراد که از اطراف به شهر هجوم آورده اند. دهات هم تماماً گرسنه و بی آذوقه مانده اند. حکومت، سرگردان مانده، نمی داند چه کند. جلوه‌ها و آرامنه و سادات، هر چه دشان نخواهد می کنند. حکومت، نه پول دارد و نه قوه که جلوگیری کند. وعده‌هایی هم که دولت به حکمران داده بود، تماماً بی اصل و باین ترتیب هیچکس، نمی تواند حکومت بنماید. حکمران، نهار و شام خود را تخفیف داده، بقیه را مالثلت حقوق و ده یک دیوانی هر چه عاید شود به فقرا و گرسنه‌ها می دهد. (۸۲)

[گزارش شماره ۳۱]

وضعیت ارزاق در سراب

تلگرافات داخله، ۳ فورس

سراب: امروزیکی از بیحدی، دو حیاط کمسیون از گرسنگی مرد، بی‌عذیبه، به صدای بلند یا الله می کشند و هیجانی نمودند و جنازه را به تلگرافخانه آوردند و فریاد می کردند. از طرف کمسیون، میرزا محمدتقی آقا، آمده با نطقهای مؤثر از تلگرافخانه خارج و به کمسیون بردند. با اینکه عارضین زیادی با این قحطی نان به فصبه ریخته و به کار هم خوب رسیدگی می شود. اینهایی صبری و باعث اغتشاش می شود.

عظیم نام برای اینکه از حاجی ستار جو خواسته بود و سرمظنه حرقشان شده، عظیم، باقمه، سر حاجی ستار را مجروح نموده، در این بین چند نفر از اشخاص مجهول به بازار ریخته که ببندید. از طرف حکومت، محرکین را گرفته اند. من جمله عبدالله نام که در مجلس کار کشیده تا سر خود را برسد. سایر محبوسین مانع شدند. نان و آذوقه قصبه حالا و بعدها تولید این سادات را خواهد کرد. (۸۴)

[گزارش شماره ۳۲]

آبرگزاری دعای باران و کمی ارزاق، در تبریز

تلگرافات داخله، مورخ غره صفر، ۲۵ عقرب

تبریز: از بابت تاخیر باران، اهالی، در وحشت هستند و مکرر به مصلی با تضرع به درگاه حضرت خداوند متوسل شده اند. آقای حسن کرکری، که از جمله سادات و علما و زهاد هستند. با جمعی به خارج شهر به مصلی رفته، مشغول دعا و مناجات هستند.

کمسیون آذوقه، جداً مشغول اقدامات و تا یک اندازه هم موفق شده اند ولی دکانهای خبازی، به حال سابق باقی و نان، با کمال عسرت تحصیل می شود. عمده علت تنگی آذوقه و وحشت اهالی، از مهر کردن انبارهای غله و لایات است که نظامیان روس، مرتکب شده اند. به طوری که از منماس و مراغه خبر می رسد، اجناسی را که مهر نموده اند، حمل می کنند. سرعت حرکت پیشکار کل، خیلی لازم است. بایانوف، رئیس قزاق، شب گذشته وارد تبریز شد. گندم [خرواری] ۱۵۵۱ - ۶۰ تومان است. (۸۵)

[گزارش شماره ۳۳]

وضعیت ارزاق در کردستان

تلگرافات داخله، ۳ قوس

کردستان، چندی است عمل نان، زیاده از حد تصور مغشوش است و ابتدا گیر نمی آید. چنانکه چهار روز است تلگرافخانه و اجزا، بی نان مانده اند. حکومت هم، نیست. مردم، نمی دانند درد خودشان را به کی اظهار کنند. سایر ارزاق، وجود کمیاب را دارد و یافت نمی شود. انسان، متحیر است سنجوع خود را با چه چیز بنماید. همه روزه چندین نفر، از گرسنگی می میرند. اگر این قسم باشد، تا یکی، دو ماه دیگر تمام مردم، از گرسنگی تلف می شوند. عقیده اغلب مردم، این است که گندم، در کردستان خیلی



بیش از خوراک مردم است و این سختگیریها، از آقابان ملاکین است. بخصوصی که حکومت هم نیست و رشته امورات، در دست همه قم افرادی افتاده، اوضاع غریبی است (۸۶)

[گزارش شماره ۳۲]

منظره و همناک همدان

همدان: اوضاع این شهر، کسب و خعامت کرده، گندم، راه خرواری صد تومان و جو راه، نود تومان می فروختند. حکومت، با خیلی حرارت می خواهد جلوگیری نمایند که ترخ از پنجاه تومان بالاتر نرود. جلوگیری، بحال به نظر می رسد. مالبه، با اجازه تهران، پانصد خروار گندم به شهر وارد آکرده، چون مردم در غایت عسرت بودند، حکومت از راه الحاق، دو بیست خروار علاوه گرفته، به نان شهر دادند.

چند روز بود مالبه، گندم نمی داد. امروز هم به اصرار، چهل خروار گرفتند. قرار بود چهل تومان به مالبه بدهند. پنجاه تومان به خیابازده تومان تفاوت را برای اعانه فقرا جمع آوری نمایند. مالبه، پنجاه تومان را جمع کرده که ضرر به دولت نرسد. پنج شش انبار در شهر، که به مهر مامورین ایران و روس مهور است، امروز خواستند به شهر از این انبارها گندم بدهند. هفت خروار بیشتر ممکن نشد بیرون بیاورند. فردا قرار است تقسیم نمایند.

یک انبار جو بود در انجی را خواستند مهر نمایند. یک نفر صاحب منصب روس، نوشته ای را از کرد که خرواری صد تومان جو را به روسها فروخته است. صادق نام، پاسبان دکلکین می بیند چند نفر قفل دکانی را باز می کنند، معانعت می کند. با شوشکه، او را زخم زده و تلف می شود. چون آژان رسید، رفتند.

تجار ماهی، هزار تومان اعانه استمراری برای فقرا توجه کرده اند. قرار است خوانین هم، کمکی نمایند [تا] دارالعباده تاسیس شود. سابقاً عرض کرده بودم، اگر نذار کی برای نان شهر نشود، ثلث مردم می میرند، به اعمال گذشت. از قرار مذکور، شروع شده. روزی چندین نفر از گرسنگی می میرند. (۸۷)

[اسناد شماره ۱۳]

آرم شیر و خورشید، وزارت داخله، سواد مشروطه حکومت قم، مورخ ۴ جمادی الاولی ۱۳۳۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله، دامت شوکه

دستخط مبارکی نمرة ۱۳۳۶، راجع به تعیین محصول آریایی و مصارف خیابازخانه ها، از حیث گندم و جو و سایر حیوانات و زیارت شد. در این مذمت، از خارج و داخل مشغول تحقیق و تفتیش این مطلب بود.

از قرار می که از تحقیقات مزبور معلوم و تخمین زده شده، این است که عرض می شود در قم، به واسطه سن خواری، زراعت گندم کمتر می شود، اغلب، زراعتش جواست. گندم نان شهر، از فراهان باید بیاید. در سالهای متوسط، در صورتی که سن خوراک نشد، محصول آریایی، بعد از وضع بذر و مالیات، در شهر و حومه به طور تخمین گندم، هزار الی هزار و پانصد خروار و جو، چهار هزار و سیصد الی چهارصد خروار است.

در مزروعی شهر، زراعت حیوانات، منحصر به جزئی سنگک است. مقدار عایدی آن هم، پانصد الی ششصد خروار است. مصرف خیابازخانه های شهر در هر فصل، به تفاوت است. روی هم رفته، که حساب شده. روزی چهل خروار گندم و در سال، چهار هزار و چهارصد خروار است و روزی حروار جو و در سال پنجهزار و چهارصد خروار است. عایدی بلوکات متعلق به قم، در سالهای متوسط بدون آفت سن، به طور تخمین، سه هزار خروار جو و دو بیست و پنجاه خروار گندم و یکصد خروار نخود و چهل و پنج الی پنجاه خروار لوبیا و پنجاه خروار ماش است. بلوکات قم، خیابازخانه ندارد که مصرف آن را بتوان معین کرد. اهالی بلوک، تمام، نان خانه می خورند.

آقاخان [ناخر] (۸۸)



[گزارش شماره ۳۵]

مردن فقر از گرسنگی، در قم

مخبر مخصوص، ۸ ربیع الثانی

اوضاع شهر، به واسطه سختی آذوقه و کثرت فقر، بی نهایت رقت انگیز است. در ظرف چهار روز، قریب به پنجاه نفر از گرسنگی مرده‌اند. روزبه روز اوضاع سخت تر به نظر می آید. اغلب فقرای این شهر، با خون گوسفندها زندگی می کنند. آدم باحس و ناموسی، از کوچه و بازار نمی تواند عبور کند. فریاد الجوع فقرای گرسسته، یک منظره هولناک را نشان می دهد. محکومین این شهر، یک عده کمی هستند؛ ولی خود راه خداوند و مالک الرقاب پنجاه هزار بدبخت می دانند. (۸۹)

[گزارش شماره ۳۶]

اوضاعیت ارزاق، در کاشان

تلگرافات داخله، ۳ قوس

کاشان، به واسطه اینکه باره قیمت نان افزوده شده، امروز قریب به هشتصد نفر زن، به بازارها ریخته و در اطراف تلگرافخانه جمع شده‌اند. چند نفر از آنها، به امر حکومت به دارالحکومه، جلب و حبس شده‌اند. میان قزاقها و چند نفر از سوارهای امنیه نیز، در بازار زد و خوردی واقع شده، پس از وقوع این قضیه، بازارها بسته شد. یک دانه نان، به دست نمی آید. امروز آقا حبیب الله مجتهد و جمیع دیگری از علما و غیره از تجاره، به تلگرافخانه آمده و متحصن شده‌اند. جمع کثیری نیز از زن و مرد، به همراهی آنها، اطراف تلگرافخانه جمع شده و شکایت خودشان را تلگرافاً عرض نموده‌اند. وضع شهر، بد است و حالت اهالی، جالب رقت است. بازارها هم، بسته است. (۹۰)

[گزارش شماره ۳۷]

اوضاعیت ارزاق، در لنگرود

تلگرافات داخله، ۳ قوس

لنگرود: از قرار داپورتی که به اداره دروژنامه رسیده، آقای فتح الله خان، حاکم لنگرود، مانع حمل برنج به سایر نقاط داخله ایران است. با وجودی که تمام تجار و مقلعین، تصدیق می کنند که اگر آن برنجها، قدری دیگر هم بماند، پوسیده و ضایع خواهد شد. از طرف اداره حکومتی گیلان هم، حکم اجازه حمل آن، صادر شده. داپورت دهنده، فلسفه شخصی این امر را چنین می نویسد که مقصود حاکم، از مانع شدن در این امر، این است که می گوید: «تا سیر اینچاه، روشن ندیده، ممکن نباشد». (۹۱)

[گزارش شماره ۳۸]

سمنان

برای نرمیدن جنس مالیاتی دامغان به سمنان، که مالبه، در صدد حمل به تهران است و اهالی دامغان، جواب دادند. این بقیه جنس دیوانی، باید صرف خبازخانه دامغان شود. انقلاب غریبی، در سمنان تولید شده، روسای شرکت خیریه، که خبازخانه سمنان را در عهده داشتند، در صدد بستن دکاکین برآمده‌اند. آقایان و علما و حکومت، جلوگیری کرده و تلگرافات عدیده، خدمت اولیای دولت عرض داشته و استدعای جنس مالیاتی دامغان را، برای نان اهل سمنان نموده‌اند؛ تاکنون جواب نرسیده



است. خیلی مشکل است جلوگیری از اهالی بشود، به واسطه بی نانی، جان جمعی، در معرض تلف است. (۹۲)

بخش شصت و نهم [۳۹]

گیلان

به واسطه ورود ققرا و غارت شدگان از اطراف و مشاهده حالت رقت انگیز آنها، که با یک طرز فلاکتی در خیابانها و کوچه ها و معبرهای عمومی به سر می برند، جمعی از خیرخواهان و نوع پرستان، از چندی قبل (به این طرف، که سیونی به اسم هیئت جمع آوری احاطه فقراتشکیل داده و چندین کاروانسراها و مساجد و تکیه ها و دکا کین راه برای اقامت فقرا تهیه نموده، نعام آنها را جاداده، وسایل معیشت و حفظشان را از گرسنگی و سرما، فراهم داشته اند.

هیئت مذکور، هر شب از نوک مغرب تا پنج ساعت از شب گذشته، تشکیل و با نهایت جدیت، وظیفه وجدانی خودشان را انجام می دهند. مخارج روزانه این عده فقرا، که فعلاً جای داده اند، روزانه بالغ بر پانصد تومان می باشد و این هیئت، تا به حال بخوبی از عهده رسانیدن مخارج آنها، برآمده اند. ولی چون همه روزه عده فقرا زیادتر می شود و از اطراف، جمعتهای زیادی با شکلهای گرسنه وارد می شوند، هیئت، در خیال هستند که یک ترتیب اساسی بدهند و نگذارند آنها تلف گردند.

عده ای از اکثرهای قفقاز با آکریتها، چند روزی است به رشت وارد شده، خیال دادن تأتری داشتند. هیئت جمع آوری اعانه، جداً با آنها مذاکره و قرار شده است چند تأتری به منفعت فقرا داده، یک ربع عایدات را به آکرها بدهند و بقیه را به مصرف فقرا برسانند. (۹۳)

بخش شصت و دهم [۴۰]

نامه علمای اصفهان، در باب وضعیت ارزاق آن شهر

[مکتوب] - از اصفهان

کیه کیسون ارزاق، کچه جرده، رعد، نوبهار، ارشاد، کوکب ایران، دامت بقانهم، خاطر عموم، بخوبی مستحضر است که خوراک اهالی این شهر، تخمیناً صد و سی خروار و بل متجاوز است. امسال، به واسطه کم آبی و خشکسالی، دو نفلت حاصل مزدومی اصفهان، عمل نیامده و عموم، به عسرت و مضیق، دچار و فعلاً روزی بیست و پنج، شش نفر، از گرسنگی تلف می شوند.

حضرت اقدس والا، دامت عظمته، و آقای مرفق اللذوکه، معاون حکومت با کمال جدیت و فعالیت، همه شان را مصروف آسایش عامه می فرمایند و با هزاران زحمت و مشقت، از شهر و اطراف، جزئی گندمی تحصیل و به خیازها می رسانند که اهالی، آسوده و در رفاه باشند. اگر از این نعمت غیر مترقبه و بی طمعی شاهزاده حکمران و معاون حکومت نبود، با این قحطی و گرانی، رشته انتظامات شهر و اطراف، گسخته و دیگر جلوگیری، از مستنعات بود.

برای رفاهیت اهالی و حال صحفا، کمیسیون ارزاق، که مرکب از نمایندگان احزاب و هیئت علماء و تجار و اشراف و ملاکین باشد، تشکیل داده و همه روزه حضرت والا شاهزاده، دامت عظمته، و آقای معاون، بشخصه در کمیسیون حاضر می شوند و مشغول ترتیب نان و سهیل ارزاق هستند. پس از تبادل افکار، هیئت کمیسیون، به اکثریت رای دادند که به هیئت دولت دو پیشنهاد بشود.

اولاً: اجازه بدهند از عراق و کمره و گلپایگان به قدر لزوم، جنس برای اصفهان حمل نمایند و تلگرامی به حکام عراق و گلپایگان و خراسان شود که معانعت از حمل جنس نمایند که تجار، به آزادی حمل کنند.

ثانیاً: برای همراهی و مساعدت با ضعفا و فقرا، قرار داده، پنجاه هزار تومان اغنیا و ملاکین و تجار این شهر، به قدر فوّه، به اسم کمک بدهند و از هیئت دولت هم، استر جاماً استندعا و درخواست شود که معادل پنجاه هزار تومان، روزی پانصد تومان از مالیه کمک و به رسم اعانه فقرا مر حمت فرمایند که این یکصد هزار تومان راه، به اطلاع حکومت جلیله و کمیسیون ارزاق و هیئت بلدیه، به مصرف خریداری جنس از عراق و غیره رسانیده، تاراهها مسدود نشده، جنس به اصفهان برسانند که اهالی، آسوده در این زمستان مشغول دعا گوئی ذات اقدس ملو کانه، ارواح العالمین فداء، باشند تا به یک درجه، رفع قحطی و سختی بشود.





در چند روز قبل هم. حضرت اقدس شاهزاده حکمران و آقای معاون، به تلگرافخانه رفته، مذاکراتی در این خصوص با وزارت جلیله داخله کرده و این دو پیشنهاد را اظهار داشتند و وعده صریح فرموده بودند که در این چند روز، ترتیب صحیحی برای حمل جنس و امر نان داده، پیشنهادات کمیسیون هم تصویب شود. متأسفانه تاکنون اثری به ظهور نرسیده و روز به روز، کار نان سخت تر و مردم بیچاره، از گرمگی تلف می شوند و عساکریب، رشته انظمامات این شهر و اطراف، گسیخته خواهد شد. آیا این مردم، و دیعة خداوندی نیستند؟ آیا امروز بر هیئت دولت و مصادر امور، فرض نیست حفظ نفوس کنند؟ صریحاً عرض و جسارت می کنم، چنانچه عاجلاً توجهی نفرمایند و در باب جنس و نان، اقدامی نشود، دو تلت از اهالی و فقرا، از گرمگی تلف خواهند شد. دکانهای خیازی، یک حالت رقت و وحشت انگیزی به خود گرفته که قلم، از شرحش سرم دارد و منظره این مردم، تأسف آور است. عموماً استدعای عاجزانه داریم تا زود است علاجی فرمایند. این دو پیشنهاد، که مایه امیدواری همانه است. به اسرع وقت، تصویب و به حکومت جلیله امر شود و چه اعانه را جمع آوری و در حمل جنس، اهتمام و اقدامی قوری معاینه.

این آخرین تلگراف ما اهالی بیچاره است. اگر به فوریت توجه و ترتیبی نفرمایند، توقع جلوگیری از مردم را نداشته و مسلم عاقبت و خیم خواهد شد. دیگر بسنه به نظریات و رای اولیای امور خواهد بود. وظیفه ما، عرض کردن است که سائهای سال، کرور کرور و میلیونها مالیات داده ایم. امساله، پنجاه هزار تومان اجاره می خواهیم خرج فقرا و ضعفا، بدبخت در مانده، از مالیات پرداختی اهالی بشود.

میرزا احمد دولت آبادی کلباسی، داعی علی محمد کلباسی، عباس صادق الحسینی، داعی حاج امین الاسلام، احقر علی محمد، شیخ محمد، احقر ابوالقاسم قزوینی، مهدی الحسینی، داعی محمود الحسینی، محمد حسین کازرانی، اعتمادالتجار، اقل حاج محمد ابراهیم اصفهانی، الحاج سید مهدی اعتمادالعلماء، محمد حسین، الحاج حیدر علی سرام سدهی، شیخ احمد حسین آبادی، اقل الحاج محمد حسین برادران، العبد محمد مهدی طباطبائی، اقل السادات احمد میرزا، آقامیرزا احمد الحسینی بنان الشریعه، محمود الحسینی، اقل السادات محمد باقر طباطبائی، قوام الدین رشتی، اقل مرتضی ابن الحاج عباس، علی رشتی، بسم الرحمن الرحیم، معاونت دولت علیه، در موقع اضطرار واقع شده، خیلی اهمیت دارد. داعی، فشارگی (۹۴)

بخش ششم شماره ۴۱

در ولایات اردبیل

روز شنبه گذشته (۱۵ صفر اهالی اردبیل، به واسطه کمی غله و نقاضای مساعدت دولت، تعطیل و در مساجد اجتماع نموده، نطقهای مفصلی کردند. حکومت، آنها را به هر نحوی بود، متقاعد و وادار به باز کردن دکانین خود نموده، تلگراف ذیل را به وزارت داخله، مخایره کرده است:

«خاطر اولیای محترم دولت را به وضع قحط و غلامت حاضر داشته، برای فراهم نمودن موجبات آسایش و رفاهیت مردم و جلوگیری از اتلاف نفوس، چاره را منحصر بر این دیده که نان را شو قسم اداره نمایند، یکی برای ضعفا و فقرا، که گندم از انبار دولتی مثل تیریز تسخیر شده، بدون رعایت تفاوت در تحت نظارت هیئت از تجار و اعظام بفر و شوند. برای تعیین عده آنها، به اسم و رسم، صورت برداشته که بلیط داده شود، مصرف آنها، روزی یازده خروار غله به وزن آنجاست که از انبار دولتی داده می شود.

و قسم دیگر، نان را به هر قیمتی که برای خیاز تمام می شود، در تحت نظارت بلدیة، از قرار منظره روز بفر و شوند. چون اداره مایه، اجازه نداشت که نان شانزده هزار نفر را بدهد، برای جلوگیری از اغتشاش، قرار گذاشتم رئیس مایه، یکماهه به یک نفر کترات بدهد و ضرر آن را، که ده هزار تومان است، به ایشان بدهیم. هفت هزار تومان از این ضرر را، متسوکین، قبول و بقیه را مشخصاً قبض داده ام که بعد دولت، قبول نماید. فعلاً چند روز بیشتر به نقضای کترات باقی نمانده و اگر حکم تسخیر جنس نرسد، مجدداً مرچب هیجان عمومی خواهد بود. (۹۵)



[سند شماره ۱۴]

آرم شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره خزانه داری کل،
سواد راپورت مالیه کرمانشاهان، نمرة ۱۵، ۵ سنبله ۱۲۹۶

مقام محترم خزانه داری کل
در تعقیب عرایض سابقه، راجع به قوت گران و کمی جنس امسال، معروض می دارد، به موجب حکم وزارت جلیله
مالیه، تا به حال مقداری جو به اداره قشونی روس، تحویل شده. اینک سواد مراسله ای (که از اداره مباشرت قشون روس
فرستاده اند، تقدیم [خواهد] داشت. مالیات دولت، منحصر به غله است و برنج ندارد.
اصل مقصود بنده، این است تا این [ناخوانا] تمام آنچه ذخیره و آذوقه یکساله اهالی فلکزده این شهر و صفحات [را]
می خواهند بگیرند و اگر از حالا رفع این محظور نشود، قطعاً در این زمستان قحطی و سختی، در این شهر خواهد افتاد. از
کارگزاری هم، با تلگراف رمز، به وزارت جلیله امور خارجه، عرض شده که چاره آن، منحصر نخواهد بود.
عمادالدوله [امضا] (۹۶)

[سند شماره ۱۵]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، اداره روس، سواد یادداشت سفارت روس،
نمرة ۳۳۰ مورخ ۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۵۵

جناب جنرال بارانف، تلگرافاً سفارت را مطلع می دهند که نظر به شکایات متوالیه از یهود راتچیها، که شتر و سایر وسایل
حمل و نقل جنس را به تهران ضبط می نمایند. محض آسایش و ترضیه خاطر اهالی، دستجات قشونی که در اطراف تهران
بوده، احضار نموده اند و نیز، اطلاع می دهند که به موجب شکایات واصله، باز پاره ای اشخاص، به عنوان و اسم یودراتچی،
وسایل حمل و نقل جنس را برای جلب نفع و اخذ پول، گرفته و پس از نیل به مقصود، آنها را رها می کنند. جناب ژنرال
معزی الیه، از اولیای دولت علیه خواهشمند است که مقرر شود این قبیل اشخاص را به توسط قزاقان ایرانی، گرفته به جاهای
لازم برای استطاق و مجازات بفرستند تا دیگر به این عنوان، مرتکب این قبیل حرکات نشوند.
زیاده زحمت افزائی شود.

اتر، محل مهر سفارت روس
سواد، مطابق اصل است. [امضا] (۹۷)

[سند شماره ۱۶]

آرم شیر و خورشید خزانه داری کل ایران، نمرة ۸۰۸۷،
۲۲ برج عقرب ۱۲۹۶، صفر ۱۳۳۶

مقام منبع وزارت جلیله مالیه
در جواب تلگراف نمرة ۲۹۰۹۵ مورخ اوک برج میزان، خاطر مبارک را مستحضر می دارد، ترجمه تلگراف مزبور، در باب
وعدۀ ژنرال بارانف، برای مساعدت تسهیل حمل و نقل غله دولتی، به اداره حمل و نقل نظامیان روس فرستاده شد و اینک از
آن اداره، پس از مکاتبه به توسط اداره کل حمل و نقل، به ژنرال بارانف جواب نامساعدی رسیده که بکلی متغایر است با
وعدۀ های ژنرال مشارالیه. محض مزید اطلاع وزارت جلیله ترجمه مراسله اداره حمل و نقل، (۹۸) لفاً تقدیم می دارد.
[امضای ناخوانا] (۹۹)





[سند شماره ۱۷]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، اداره تحریرات روس،
نمره ۱۴۰۵/۷۱۷ مورخ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۴

وزارت جلیله مایه

مرقومه محترمه مورخ ۲۵ برج قوس به نمره ۲۹۰۲۲، محوی سواد راپورت اداره مایه کردستان، در باب عبرت و قحطی
آذوقه و ارزاق ولایت مزبوره، واصل گردید. تنگنایه آقای ساعداالسلطنه، تعلیمات داده شده که با ژنرال بارانتف، مذاکره
سرتیره نموده و جدآرفع بی اعتدالی و ظلم نظامیان را از کردستان بخواهد و به ژنرال فسولگری دولت علیه در تغلیس نیز،
تعلیمات داده شده که به موافق مربوطه، مذاکرات نموده و احکام لازم، دایره به جلوگیری از این قبیل حرکات، صادر نمایند.
محمدعلی امیر (۱۰۰)

[سند شماره ۱۸]

آرم شیر و خورشید خزانه داری کل ایران، نمره ۲۱۸۴،
۱۸ برج قوس ۱۲۹۶، کردستان

مقام متبع وزارت جلیله مایه. دامت شوکته

در دنباله راپورت‌های سابق، راجع به مسئله ارزاق کردستان، به استحضار خاطر مبارک می‌رساند: در شهرهای کردستان،
گندم نایاب شده و اگر اتفاقی گندمی در گوشه و کنار پیدا شود، هشتاد تومان معامله می‌شود. کار خیارخانه‌ها، اکنون در گندمی
که به مالکین در خرواری می‌تومان قبولانده شده، راه افتاده است. در این موقع، که قحطی بالا گرفته و در شبانه روز، عمده‌ای
نقرس تلف می‌شود. خود نظامیان هم، سختی کار آذوقه و احساس کرده‌اند و قوای عمده خود را به محل نصیر آباد و بی‌دیق
که حاصلخیزترین نقاط کردستان و همیشه ضامن نان شهر بوده و هست انتقال داده، گندمی را که محل ... خیارخانه بود،
توقیف کرده، برای خود به مصرف می‌رسانند. در صورتی که در سایر یلوکات، که قسمت شمال و جنوب و غرب را تشکیل
می‌دهند، یک حبه گندم و جو، موجود نیست، این فقره، اسباب تزلزل و اضطرابات عمومی شده و مستعد یک انقلاب عظیمی
گردید. برای رفع مشکلات آذوقه و تسهیل امر ارزاق، حکومت از شهر، عموم اهالی اجتماع کرده، بالائتفاق یک کمیسیون
دوایره نفری در صیانه خود را انتخاب نمودند. فدوی را نیز، یکی از اجزای کمیسیون قرار دادند. فدوی نیز، تقاضای اهالی را
قبول نموده، پس از اینکه داخل در یک رشته عملیات شد، خوب حسن کردم که کار گندم، دو مشکل عمده دارد،

۱. خرده مالکین، در صورتی که می‌بینند در شهر گندم، خرواری هشتاد تومان معامله می‌شود و مجبور شده‌اند، برای
خیارخانه، خرواری می‌تومان بفرستند، به انواع وسایل تشبث کرده، همه قسم مشکل تراشی می‌نمایند که گندم به خیارخانه
نرسد و شاید ضیقیت نان، اهالی را مجبور نماید هر چه زیاده تر قیمت گندم را ترقی بدهند. اهالی هم، که تا این تاریخ، گندم را
در خرواری هفت، هشت تومان خورده‌اند، حاضر نیستند می‌تومان زیادتر نان بخورند. این کشاکش و جدال، متصل در جزیر
و مداست و هنوز راه حلی برای این مسئله، پیدا نشده است.

۲. تمام اقدامات و زحمات حکومت و اهالی، در محدود کردن نظامیان، راجع به جمع نمودن گندم و سایر ارزاق، تاکنون
حقیق مائده است و روز به روز کار، مشکلتر می‌شود. فدوی، که از طرف عموم، سمت نمایندگی را داشتیم به اتفاق کمیسیون
دوازده نفری، اخیراً ملاقاتی با ژنرال بارانتف نمودم. در نتیجه یک سلسله مذاکرات، ژنرال بارانتف، فایده و موافقت نمودند که
اداره [ناخوانا] مزاحم نگردد که برای مصرف نان شهر، حمل شود و از طرف حکومت و اهالی، رئیس امنیت، به جهت حمل
جس، مامور در فریه گردید. چون به کارهای امروزه اعتمادی نیست، نمی‌دانم این حکم ثابت است یا بزودی مثل سایر احکام
... خواهد شد.

(امضا) (۱۰۱)



[سند شماره ۱۹]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، سواد یادداشت به سفارت روس،
نمره ۱۷۳۴/۸۴۲، مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶

وزارت امور خارجه، بانهایت احترام، بناظر اولیای آن سفارت سنبه راستحضر می دارد که بر حسب راپورت کارگزاری قزوین، چندی قبل به موجب دعوت قسول و رئیس قشون روس، حکومت و کار گزار و پیشکار مالیه و جمعی از ملاکین و اعیان شهر، در کلوب اجتماع کرده و مذاکراتی راجع به اوراق به عمل آمده و رئیس قشون، اظهار داشته است که دولت ایران، ثلث مالیات جنسی قزوین را برای مصارف نظامیان، تخصیص و حکم تسلیم داده است. در صورتی که خود اولیای آن سفارت سنبه، تصدیق می فرمایند که مطابق احصائیه، در صورتی که تمام انبارهای موجوده قزوین، توفیق و اغله مالیات دولتی به مصرف خود محل برسد و حمل به تهران نشود، به زحمت می توان آذوقه اهالی شهر مزبور را تا اوگ بهار تامین کرد. چه رسد به آنکه مقداری از آن، برای مصارف نظامیان تخصیص شود. به علاوه، اولیای دولت ایران، به همین نظر هیچوقت چنین تخصیصی را به واسطه احتیاج مبرم قزوین و نهران، نداده است. وزارت امور خارجه، باز هم به تصور اینکه شاید بتوان مقداری از جنس قزوین را برای مصارف نظامیان تخصیص داد، مراتب را بعد از وصول راپورت مزبور، به وزارتین داخله و مالیه اشعار داشت که در صورت امکان، چنین اجازهای داده شود، اینکه از وزارت داخله، جواب می دهند: «قحطی و عسرت آذوقه، منحصر به قزوین نبوده و تمام ولایات، به این عسرت گرفتار و به همین علت، وزارت داخله و مالیه، با هزار گونه اهتمام و جدیت، هنوز نتوانسته است جنس از قزوین در پایت مرکز حمل نماید، باین وضع، چگونه ممکن است جنسی هم برای نظامیان تخصیص داده شود؟»

اظهارات میوگیلا برنت، قسول قزوین هم، از وزارت خارجه، راجع به اینکه به واسطه خشکالی و قحطی، نمی توان جنس از قزوین به خارج حمل کرد، موید این حقایق بوده و بدیهی است در صورتی که از قزوین نتوان جنس، برای تهران به این درجه لزوم و اهمیت، که مشاهده می شود، حمل نمود، به طریق اولی، نمی توان مقداری از آن جنس را، برای مصارف نظامیان آن دولت بیهیه، تخصیص داد.

بنابر مندرجات فوق، مخصوصاً خواهش شده است به وسایل سریع، مقرر فرمایند، اولیای نظامی آن دولت بیهیه، از تعقیب این موضوع صرف نظر نمایند که تولید مشکلات نشود. از نتیجه اهتمامات مبدونه، وزارت امور خارجه را فرین استحضار فرمایند.

سواد، مطابق اصل است. (امهر) وزارت امور خارجه (۱۰۲)

[سند شماره ۲۰]

آرم شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره خزانه داری کل،
سواد راپورت مالیه کرمانشاه، نمره ۱۱۸۶۱، مورخ ۱۷ دیو ۱۲۹۶

مقام محترم خزانه داری کل

محض یادآوری خاطر محترم و لزوم تصفیه محاسبات جنس سنوات ماضیه این ولایت، مستدعی است به راپورت های مکرره اداره مالیه کرمانشاهان، که در موضوع جنسهای غارتی انبارهای مالیه و تحویل به قشون عثمانی و غیره، عرض شده است، توجه فرمایند. مجدداً به شرح ذیل، مقادیر جنس ضایع شده سنوات ماضیه این ولایت را، از لحاظ مبارکی می گذاریم و نظر به اینکه تا [ناخوانا] به انتظار تعیین تکلیف و صدور اجازة مرکزی، هنوز مقدار ذیل المذکر به خرج گذاشته نشده و همه ماهه در صورت محاسبات جنس ماهانه مثل موجودی انبار منقول ر شده است و این مسئله، موجب اختلال و اغتشاش حواس و بالاخره باعث تضییع محاسبات خواهد شد، پیشنهاد می نمایم که اجازة فرمانیه به خرج گذارده شود که محاسبات آتی، صافی باشد.

صورت جنسی که از انبارهای مالیه غارت شده است، به شرح ذیل:

تاریخ حوت در موقع عقب نشینی قشون عثمانی از انبار مالیه کرمانشاهان، بر حسب راپورت [ناخوانا] که به نحقیق پیوسته است، غارت شده: گندم ۲۴۹۵ من، جو ندارد.

تاریخ حوت لوی نیل [در موقع عقب نشینی قشون عثمانی، به موجب راپورت سفیر، از انبار سفیر غارت کرده اند: گن





۱۰۰۰۰ من، جو ۳۰۱۷ من.

تاریخ نور لوی نیل [آبه موجب راپورت امین مالیه سقزو. که به تحقیق پیوست است. در موقع حمل جنس از سقزو ... رماغ باوندها غارت کرده اند: گندم ۴۱۲۴ من، جو ندارد.

تاریخ برج حوت لوی نیل به موجب راپورت امین مالیه اناردار کنگاور کسر آورده است: گندم ۶۸۲ من، جو ۹۶۴ من. تاریخ برج حوت لوی نیل [] که به موجب راپورت نمرة ۸۳۳۸ مالیه کرمانشاهان، به عرض رسیده است، از صحن روسها غارت کرده اند، گندم ۸۳-۹۹ من، جو ۲۵۳۹ من، آرد ۲۳۳۳۳ من.

جمع خسارت وارده از غارت و سرقت: گندم ۱۱۸۲۸۴ من، جو ۷۵۲۰ من، آرد ۲۳۳۳۳ من. صورت جنسی که قشون عثمانی، در سنه لوی نیل برده و قبض داده اند، به شرح ذیل،

در کرمانشاهان، به موجب چند فقره قبض، مقدار شصت خروار جو برده اند ولی ... یک هزار خروار جو فروشی به عثمانیها، کسر گذاشته می شود و به میزان نمی رود.

صحنه: به موجب راپورتهای امین مالیه و قبض ارسالی: گندم ۱۰۵۹۸ من، جو ۱۳۳۰۳ من.

سقزو: به موجب راپورتهای امین مالیه و قبض ارسالی: گندم ۵۵۴۲ من، جو ۱۱۰۷۱ من.

کنگاور: به موجب سه فقره راپورتهای کنگاور، پس از وضع بیست و یک خروار جو، که در موقع فرار عثمانیها مسترد

داشتند و کسر نموده است، گندم ۲۶۳۹۰ من، جو ۱۳۸۸۴ من، جمع: [گندم] ۴۲۵۳۱ من، [جو] ۲۸۲۵۸ من، غارت شده و سرقت به

شرح فوق: گندم: ۲۲۵۳۱ + ۱۱۸۳۸۴ من، جو ۲۸۲۵۸ + ۷۵۲۰ من، آرد ۲۳۳۳۳ من

[مجموع] گندم: ۹۱۵-۱۶ من، جو ۴۵۷۷۸، آرد ۲۳۳۳۳ من

رئیس مالیه ولایتین (۱۰۳)

[سفند شماره ۲۱]

مقام منبع وزات جلیله مالیه

راجع به راپورت اداره مالیه کرمانشاهان، در موضوع جنس غارت شده از انبارهای مالیه در سنه ماضیه لوی نیل [۱۲۹۵] و تحویل به قشون عثمانی، که مقرر فرموده اند. هر گاه اداره محاسبات کل مالیه، سابقه دارد، عقیده خود را معروض نماید؛

اولاً: در این اداره، اطلاعات کافی، که شامل حقیقت امر بوده یعنی از اینکه بتواند قویاً و مطمئناً وقوع قضیه و مقدار حقیقی جنس غارت شده را ... بخرد. موجود نیست و فقط سابقه موجوده، همان راپورتهای واصله از مالیه کرمانشاهان است که از

موضوع غارت و جنس تحویلی به قشون عثمانی، حکایت می نماید. در این صورت، راجع به تصفیه امر تازمانی که مقدار غارت شده، به تحقیق نیوسته است، بدیهی است که هیچگونه عقیده اظهار نمی توان کرد. ولی برای اینکه ناچاراً باید ترتیب

این کار داده شود و تکلیف محاسبات کرمانشاهان معلوم گردد، لازم است اولیای وزارت جلیله، در این باب اتخاذ تصمیم قطعی فرمایند و این معنی، باز ایزدیهای واصله از کرمانشاهان و تصدیق امین مالیه فعلی، اطمینان حاصل فرموده و به خرج

بردن اجناس غارت شده و تحویلی را جهت قشون اجازه دهند، یا اینکه در صورت اقتضا، اعزام یک نفر مفتش امین و معتمد راه برای تحقیق امر به کرمانشاهان و همدان و نردین و ولایات لکنه و کردستان، که در تمام ولایات این گونه معاملات شده

است، تعیین فرموده و موافق تحقیقات مفتش مزبور، به خاتمه دادن عمل، امر فرمایند. بدیهی است هر گاه نتیجه رسیدگی مفتش، از میزان قلمدادی کمتر و معلوم گردد که به این اندازه غارت نشده و عملیاتی دیگر در کار بوده است، البته تفاوت آن

از صاحب جمعان جنس باید استرداد گردد. ولی سخن در مفتش است که کاردانی و فعالیت آن، تاجچه اندازه و درستکاری و صحت عمل وی، تاجچه پایه باشد؟ مسلماً چنانچه وزارت مالیه، به تعیین یک نفر مفتش جدی و صحیح العمل و وظیفه شناس موافق آید، این اقدام به صرفه دولت مقرون خواهد بود.

ثانیاً: پس از باز شدن راه کرمانشاه و سایر ولایات غرب و وصول راپورتهای ادارات مالیه در برج حمل یا نور هذه السنه، اداره محاسبات کل مالیه، برای اینکه میزان ماء خودی قشون عثمانی و مجاهدین ایرانی راه از ولایات مزبور تشخیص دهد،

در این کار اقدام و پس از تشکیل چندین جلسه، که نماینده خزانه داری کل نیز، در آن عضویت داشته. کلیه ماء خودی نقدی و جنسی اردوی عثمانی و مجاهدین راه تعیین و صورت آن را به مقام محترم وزارت جلیله، تعلیم کرد. ولی متأسفانه صورت

مزبور، که بایک زحمت فوق العاده تهیه و ترتیب شده بود و امیران همراهی قشون عثمانی رابحویب روشن کرده بود. تاکنون به اداره محاسبات کلی، عودت داده نشده و معلوم نیست که در کجا مانده است. هر چند تهیه آن، جدیداً هم در صورتی که لازم

شود، ممکن است، ولی مدتی وقت و فرصت می خواهد. (امضا) (۱۰۴)



احتکار گندم، به دست انگلیسیها

یزد، روز گذشته مجدداً عده‌ای از بخار، به تلگرافخانه آمده و تلگرافات متعدد به مقامات مربوطه، مخابره نمودند که مدتی است قریب سه هزار خروار از جنس املاک خود و خریداری، تهیه نموده، در صورتی که در خود شهر کرمان و بم و نرماشیر و بم، کاملاً جنس موجود است و مقدار مهمی هم انگلیسیها، انبار کرده‌اند. معیناً اجازه حمل جنس فوق را به یزد نداده و مشغول حمل به کرمان هستند. از طرف وزارت داخله، تلگراف موکد دیگری به ایالت کرمان مخابره شده که جنس موجوده در رفسنجان را به یزد حمل نمایند. اخیراً هم تلگرافی از طرف معاون حکومت، به آقای سردار جنگی مخابره شده که در ذیل ملاحظه است:

نمره ۴۹۴. حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف آقای سردار جنگی

در موضوع عمل جنس، شرحی به سردار نصرت تلگراف کرده بودم که جواب آن را، ذیلک به عرض می‌رسانم: ابعداً عنوان، تلگراف شریف زیارت، نظریه عوائل بزرگی نسبت به حضرت اشرف آقای سردار جنگی، بقدری در حمل جنس یزد اصرار کردم که به پی مر حتمی حضرت اقدس ایالت کیرا منتهی شد و چند روز است بنده، از کار متغیر شده‌ام. در این صورت، ملتفت می‌شوید که تقصیر بنده، نموده، سردار نصرت.

بخار را هم، که دوروز قبل در تلگرافخانه متحصن شده بودند و بنده آنها را از تحصن خارج کردم، به واسطه نرسیدن جواب، باز امروز در تلگرافخانه متحصن شده و می‌گیرند؛ تا تکلیف قطعی ما را رعیت محترم دولت، معین نفرمایند، خارج نخواهیم شد. در این صورت، مستعدی است هر چه زودتر تکلیف، برای جنس آنها، که از رفسنجان برده و می‌برند، معین فرمایند.

مهدی قلی (۱۰۵)

بخاروش شماره ۴۳

مساجد با آریاب کیخسرو، راجع به خرید گندم

روز گذشته [چهارشنبه ۵ صفر، ۲۹ هجری] منبر مخصوص ما، آقای آریاب کیخسرو و راجعات و در خصوص خریداری و حمل گندم، سئوالات ذیل را نموده است:

۱. از چه وقت شروع به خرید گندم نموده‌اید؟

[جواب: از دهم ذی‌فعدة.

۲. قرارداد کسب با دولت بسته‌اید؟

[جواب: خیر، دولت، امر فرمودند، بنده هم، مشغول خرید شدم.

۳. جقدر مقرر بود، گندم اتباع فرمایند؟

[جواب: در ابتدا پانزده هزار خروار، دولت، امر فرمود بیخرم، پس از چندی قرار شد پانزده هزار خروار دیگر هم، گندم بخرم.

به شرطی که خود بخار، گندم نخرد. مجدداً گندم خریدن آزاد شد و به من امر شد، هر قدر بتوانم گندم، خریداری کنم.

۴. تاکنون چه مقدار گندم خریده‌اید؟

[جواب: آنچه اطلاع دارم، دوازده هزار و دو بیست و پنجاه خروار خریداری شده و تا روز گذشته، مقدار نش هزار و

سیصد و بیست و نش خروار گندم، وارد تهران شده و دو هزار و دو بیست خروار در راه است و بقیه هم، در محل است که بهر روز

حمل می‌شود و ممکن است که علاوه بر مقدار فوق هم، خریده شده و تاکنون به من اطلاع نرسیده باشد.

۵. به چه قیمت وارد تهران شده است؟

[جواب: به تفاوت کرایه و قیمت خرید در محل، از ۳۵ تومان الی ۵۰ تومان وارد انبار شده است.

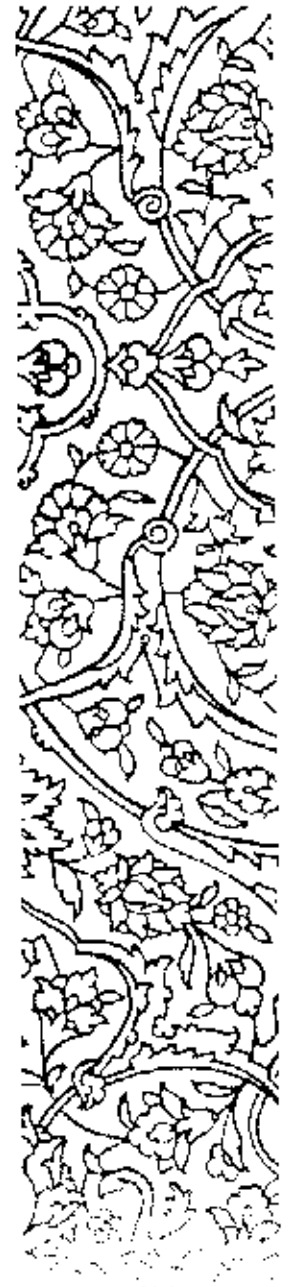
۶. جنس، از چه نفاطی خریده‌اید؟

[جواب: از عراق [الراک] شرقان، قزوین، خوار، ساوجبلاغ و دامغان.

۷. از حیث حمل و نقل، دچار اشکالی هستند؟

[جواب: خیر، من در ابتدای کار، فوراً برای پانزده هزار خروار جنس، شتر تهیه کردم، از حیث و سایل حمل و نقل، راحت





و آسوده همم و اگر این پیش بیس را نکرده بودم، قطعاً دچار اشکالات فوق العاده می شدم.
۸. در بین صلیبات، به چه اشکالات و موانعی دچار شدید؟

پجوابه: دو مانع مهم پیش آمده که خیلی اسباب زحمت است و جلوگیری از موفقیت کامل من، در تهیه جنس، برای تهران نموده است و این دو مانع، یکی ملاکین و دیگر مامورین دولت هستند. ملاکین، که هر کدام، چندین هزار اخروار اجنس و اختکار کرده اند که فردا با خون مردم مبادله کنند. به محض اینکه من ببند دولت، شروع به خرید گندم نموده، فوراً مردم را تحریک به شورش و بلوای نمایند. حکام نیز، که اغلب خودشان، از همان ملاکین می باشند، تلگرافات به دولت می کنند که در این محل گندم، برای اهالی نیست، مردم شورش کرده اند. به این طریق، خاطر اولیای دولت را متحش می نمایند. این علت بزرگ، باعث شده که کار بخوبی پیشرفت نمی کند. بنده، شتر و دو چرخه و جوال تهیه کرده و فرستادم قزوین که گندم خریداری شده را، حمل کنند. به همین تحریکات، حکومت، ممانعت از حمل گندم نمود و مدتی شتر را در آنجا معطل کرد و به دولت تلگراف کرد که مردم نمی گذارند، شورش می شود و غیره. تا بالاخره دولت، آقای زامعطفی خان را، برای کشف حقیقت و حمل جنس، به قزوین فرستاد. همچنین در عراق لاراک امتثال حاجی سهم الملک، که چندین هزار خروار گندم دارد. هر روز به عنوانی اسباب مزاحمت می شوند. چنانچه در سرخرمن در عراق، گندم، خرواری یازده تومان بود. تا دولت خریداری کرد، فوراً به چهل و دو تومان رسید. تا اینکه دولت، مجبور شد در روز قبل امر کند که گندم عراق، باید در ۲۵ یا ۲۸ تومان به فروش برسد. همچنین، در آنجا هم برای حمل گندم، دچار مسامعت اهالی و مامورین دولت بودم و اکنون اقتدارالدوله، رفته است که گندم حمل نماید. یک علت دیگری که باعث بعضی تحریکات شده، این است که بنده، شتر را قبلاً گمراه کرده و حاضر نموده بودم و عنوان مال بگیری در بین نیست که بعضیها از آن، منافع ببرند.

۹. در تقاضای که گندم اشیاع نموده اید، باز هم جنس هست و می توان خرید؟

پجوابه: بلی، در این نقاط، جنس فراوان است و اخیراً مامورین دولت، در عراق چند هزار خروار جنس مستکرین را کشف کرده اند و یقین دارم قریب بیست هزار خروار در عراق جنس، در انبارها مخفی است. همچنین در قزوین جنس مخفی، فراوان است. از قراری که راهپورت به من داده اند، در بلوک ز خوار و در ساوجبلاغ، ده هزار خروار زیادتر از درجا احتیاج اهالی، جنس موجود است.

۱۰. چرا از خمسه و همدان، تهیه جنس نکردید؟ آیا در آن نقاط، جنس موجود است؟

در آن دو نقطه فوق هم، جنس فراوان است. ولی چون حکومت خمسه، خودش ملاک و امیرافخم، هم متفقاً همدان و تنها سه، چهار هزار خروار در درجین جنس دارد، قطعاً اگر دست به خرید جنس می زد، شورش و تحریکات حاصل می شد. به این واسطه، تاکنون راضی به خرید از این دو نقطه نشده ام و دولت هم، حاجی ساعدالسلطنه را به همدان فرستاده است برای جنس بدیهی است اگر دولت مساعدت کامل بکند، از خمسه و همدان، جنس زیادی هم برای تهران تهیه می توان کرد و هم اهالی آنجاها، به این فحطی مصنوعی دچار نمی شوند. (۱۰۶)

منابع و توضیحات:

۱. روزنامه ایران، ش ۲۱۳، ۱۷ رجب ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۲. روزنامه رعد، ش ۵۸، ۵ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲
۳. همان، ش ۶۵، ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق.، ص ۶
۴. کو هستانی بزان، مسعود، نقد قنات در دوره مشروطه، فصلنامه نشر، دوره جدید، شماره ۵، ۵ ص ۲۵۶
۵. همان، سرگذشت لوت در عصر مشروطیت، فصلنامه تاتار، دوره جدید، شماره ۱۰، صص ۶۹ و ۷۰
۶. روزنامه ایران، ش ۱۰۸، ۱۷ شوال ۱۳۳۵ ق.، ص ۱
۷. روزنامه رعد، ش ۷، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲
۸. همان، ش ۸۱، ۳۰ ربیع الاوّل ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۹. همان، ش ۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲
۱۰. روزنامه ایران، ش ۲۴۰، ۱۳ شعبان ۱۳۳۶ ق.، ص ۲
۱۱. همان، ش ۲۲۹، ۹ شعبان ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۱۲. روزنامه رعد، ش ۱، ۲۹ محرم ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۱۳. همان، ش ۱۶، ۱۸ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۳
۱۴. برای شناخت هرچه بیشتر وضعیت لوزان در گیلان در پانزده و پانزده سال ۱۲۹۶ ز. ک. کو هستانی بزان، مسعود، اخورشید بر فراز

۱. مستوفی عبدالله، شرح زندگانی من با تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، تهران، انتشاراتی روزگار، چاپ دوم آبی تال، ص ۶۹۴
۲. همچنین گزارش دیگری، اخیراً، می توان در خاطرات عین السلطنه سائور جستجو کرد. عین السلطنه سائور و فهمان میرزا روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱، به گوشش مسعود سائور و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، صص ۶۹۱۹، ۶۹۲۱
۳. روزنامه ایران، ش ۱۰۰، ۱۸ رمضان ۱۳۳۵ ق.، ص ۲
۴. در آن زمان، یکی از طرحهای دولت (اعتلاء السلطنه) برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی بود.
۵. روزنامه ایران، ش ۱۰۴، ۷ شوال ۱۳۳۵ ق.، ص ۱
۶. عبدالله مستوفی، علت اصلی این اعتراضات و تحریکات برخی متنفذین، جهت کسب مقامات سیاسی ذکر کرده است. ز. ک. مستوفی، همان، صص ۵۰۱، ۶۹۸
۷. روزنامه رعد، ش ۳۱، ۸ لوک ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۸. همان، ش ۳۰، ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق.، ص ۲
۹. روزنامه ایران، ش ۲۳۰، ۱۰ شعبان ۱۳۳۶ ق.، ص ۱
۱۰. روزنامه رعد، ش ۲، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۱



- جنگل، فصلنامه گنجینه استاد، شماره پیاپی ۳۳، صص ۷۰-۷۰.
- ۲۵ روزنامه: عدد ش ۸، ص ۲۹، محرم ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۲۶ همان، ش ۱۶، ص ۲، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۲۷ همان.
- ۲۸ همان، ش ۳۵، ص ۲، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، صص ۲ و ۱.
- ۲۹ جلسه صدور حکم توقیف اموال متکثرین در اصفهان، کسر، گلپایگان در اولین قوس آذر ۱۳۹۶ ر. که روزنامه رعد، ش ۱۴، ص ۱۶ صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۰ همان، ش ۱، ص ۲، محرم ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۱ همان، ش ۲، ص ۱، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۲ همان، ش ۵، ص ۵، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۳ همان.
- ۳۴ همان، ش ۶، ص ۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۵ مابری: جیمز، عملیات در ایران آنگاه جهانی نوک ۱۹۱۱، ۱۹۱۱، ترجمه قاضی بیات، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۹، صص ۳۳۳ و ۳۳۴.
- ۳۶ روزنامه رعد، ش ۲۵، ص ۲، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، صص ۲ و ۱.
- ۳۷ همان، ش ۵، ص ۵، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۳۸ عبدالله مستوفی، تصویر جلی از دخالت مقامات سیاسی در حوزة قضایی، ارائه داده استاد ر. ک. مستوفی، همان، صص ۵۰-۵۰.
- ۳۹ روزنامه ایران، ش ۱۰۱، سلطه رمضان ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۴۰ همان، ش ۱۰۱، شوال ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۴۱ همان، صص ۲ و ۱.
- ۴۲ سازمان استاد ملی ایران، سند شماره ۳۸، ۱۷، ۲۸، ۶، ۲۴۰.
- ۴۳ همان، سند شماره ۲۱، ۱۹، ۱۹، ۲۱.
- ۴۴ همان، سند شماره ۲۹، ۱۹، ۱۹، ۲۱.
- ۴۵ روزنامه ایران، ش ۱۰۴، شوال ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۴۶ همان، ش ۱۰۸، شوال ۱۳۳۵ ق.، ص ۱.
- ۴۷ همان، ش ۲۲، ربیع الأول ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۴۸ همان، ش ۳۵، ربیع الثاني ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۴۹ روزنامه رعد، ش ۱، ص ۲، محرم ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۰ همان، ش ۷، ص ۷، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۱ همان، ش ۱۳، ص ۱۳، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۲ همان، ش ۵۸، ص ۵۸، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۳ همان، ش ۳۳، ص ۳۳، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۴ همان، ش ۳۹، ص ۳۹، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۵ همان، ش ۲۹، ص ۲۹، جمادی الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۶ همان، ش ۳، ص ۳، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۷ همان، ش ۲۱، ص ۲۱، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۸ همان، ش ۱۳، ص ۱۳، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۵۹ همان، ش ۱۰، ص ۱۰، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۶۰ سازمان استاد ملی ایران، سند شماره ۲۱، ۱۹، ۱۹، ۲۱.

- ۶۱ همان، سند شماره ۵۲، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۲ همان، سند شماره ۲۷، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۳ روزنامه رعد، ش ۲، ص ۲، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۶۴ همان، ش ۳، ص ۳، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۶۵ سازمان استاد ملی ایران، سند شماره ۱۲، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۶ همان، سند شماره ۲۲، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۷ همان، سند شماره ۳، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۸ همان، سند شماره ۳، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۶۹ همان، سند شماره ۲۷، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۷۰ همان، سند شماره ۲۹، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۷۱ همان، سند شماره ۲۹، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۷۲ روزنامه رعد، ش ۶، ص ۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۳ همان، ش ۲۶، ص ۲۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۴ همان، ش ۲۶، ص ۲۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۵ همان، ش ۲۶، ص ۲۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۶ همان، ش ۲۱، ص ۲۱، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۷ روزنامه ایران، ش ۲۱۲، آذر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۸ روزنامه رعد، ش ۶، ص ۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۷۹ همان، ش ۳۷، ص ۳۷، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۰ همان، ش ۵۸، ص ۵۸، ربیع الثاني ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۱ همان، ش ۳۳، ص ۳۳، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۲ روزنامه ایران، ش ۱۱۶، غره ذی حجه ۱۳۳۵ ق.، ص ۲.
- ۸۳ روزنامه رعد، ش ۲۲، ص ۲۲، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۴ همان، ش ۱۰، ص ۱۰، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۵ همان، ش ۲، ص ۲، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۶ همان، ش ۱۰، ص ۱۰، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۷ همان، ش ۱۷، ص ۱۷، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۸۸ سازمان استاد ملی ایران، سند شماره ۱۹، ۳۸، ۶، ۲۴۰.
- ۸۹ روزنامه رعد، ش ۵۳، ص ۵۳، ربیع الثاني ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۰ همان، ش ۱۰، ص ۱۰، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۱ همان.
- ۹۲ همان، ش ۲۶، ص ۲۶، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۳ همان، ش ۲۶، ص ۲۶، ربیع الأول ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۴ همان، ش ۱۷، ص ۱۷، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۵ همان، ش ۱۶، ص ۱۶، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۹۶ سازمان استاد ملی ایران، سند شماره ۷، ۵۷، ۴، ۲۴۰.
- ۹۷ همان، سند شماره ۵۷، ۱۶، ۱۶، ۲۴۰.
- ۹۸ در مجموعه، یافت نشده است.
- ۹۹ همان، سند شماره ۶۵، ۳، ۳، ۲۴۰.
- ۱۰۰ همان، سند شماره ۳۵، ۳۸، ۶، ۲۴۰.
- ۱۰۱ همان، سند شماره ۲۳، ۳۸، ۶، ۲۴۰.
- ۱۰۲ همان، سند شماره ۱۱، ۳، ۳، ۲۴۰.
- ۱۰۳ همان، سند شماره ۲۲، ۲۲، ۵۷، ۴، ۲۴۰.
- ۱۰۴ همان، سند شماره ۲۶، ۲۵، ۵۷، ۴، ۲۴۰.
- ۱۰۵ روزنامه رعد، ش ۲، ص ۲، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.
- ۱۰۶ همان، ش ۵، ص ۵، صفر ۱۳۳۶ ق.، ص ۲.



شماره ۱۹ - برج محرم ۱۲۹۶

بهمن بهرام پادسی

همه راه حومه ازلی طهران و قزوین همدان

191

БАХМАНЪ ВАХРАМЪ ПАРСИ
почтооодержатель
Эзвани-Тегеранской и
Казвинъ-Хамеданской Дорогъ.

№ ۱۲۲۹

IRAN NATIONAL ARCHIVES

این بسنده بهمن بهرام تعداد چهار هزار عدد بخرید لذت عمده
در دست شد ما به این جهت در هر یک از این
کتابها که در هر عدد ۲۹ تومان در دست نمود
طرف هر یک یک طایفه با خود در دست خواهد بود
شرایط فرا تقریب در صلوح دیدن بر حسب کسرات جداگانه
سفته خواهد کردید

اعتبار این در قهوه ای است لذت است
رتال جامع علوم انسانی

ХРАЩЕЙ
для телеграмм



کتابخانه ملی
تاریخ: ۱۳۵۵
شماره: ۵۸۹۱۸۴

جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و آموزش عالی
موزه ملی
تهران

تقریباً صدها سال پیش

در عصر قاجاریه بنا بر سرکات شهر و خارج شهر تهران و در دیگر نواحی
کشور مراکز و کاروانسراها و بناهای مذهبی و دولتی و نظامی و
اداری و آموزشی و غیره ساخته شده است که از جمله این بناها
می‌توان به کاروانسرای قدیم شهر تبریز اشاره کرد که در
سال ۱۲۸۵ خورشیدی ساخته شده است و در زمان قاجاریه
بسیار رونق داشته است و در این بنا کاروانسرایان
سفر می‌کردند و در آنجا اقامت می‌گرفتند و در آنجا
بازارهای کوچکی نیز در راه کاروانسراها
تاسیس شده بود که در آنجا کباب و غذاهای
دیگر می‌فروختند و در آنجا کاروانسرایان
سفر می‌کردند و در آنجا اقامت می‌گرفتند
و در آنجا کاروانسرایان سفر می‌کردند
و در آنجا اقامت می‌گرفتند و در آنجا
کاروانسرایان سفر می‌کردند و در آنجا
اقامت می‌گرفتند و در آنجا کاروانسرایان
سفر می‌کردند و در آنجا اقامت می‌گرفتند

سازمان اسنادی ایران
IRAN NATIONAL ARCHIVES



کتابخانه ملی
۱۷

۱- در عصر قاجاریه در تهران و در دیگر نواحی
کشور مراکز و کاروانسراها و بناهای مذهبی و
دولتی و نظامی و آموزشی و غیره ساخته شده
است که از جمله این بناها می‌توان به کاروانسرای
قدیم شهر تبریز اشاره کرد که در سال ۱۲۸۵
خورشیدی ساخته شده است و در زمان قاجاریه
بسیار رونق داشته است و در این بنا کاروانسرایان
سفر می‌کردند و در آنجا اقامت می‌گرفتند
و در آنجا کاروانسرایان سفر می‌کردند
و در آنجا اقامت می‌گرفتند و در آنجا
کاروانسرایان سفر می‌کردند و در آنجا
اقامت می‌گرفتند و در آنجا کاروانسرایان
سفر می‌کردند و در آنجا اقامت می‌گرفتند

دوستان عزیز
با احترام
معاونت علمی و فناوری
وزارت فرهنگ و آموزش عالی
۱۳۵۵

Handwritten signature in black ink.





وزارت معارف و اوقاف

مواد آموزشی وزارت معارف و اوقاف

تعمیر کتب و کتب معارف و اوقاف وزارت معارف و اوقاف

فصلنامه علمی و پژوهشی

بررسی کاربرد روش مطالعه موردی در توضیح مفهوم تعمیر کتب از دیدگاه معارف و اوقاف

دکتر سید علی حسینی / استادیار / گروه معارف و اوقاف / دانشگاه تهران

چکیده: در توضیح مفهوم تعمیر کتب از دیدگاه معارف و اوقاف، روش مطالعه موردی به کار رفته است. در این روش، با توجه به هدف پژوهش، در انتخاب موضوع، نمونه‌ها و روش‌های گردآوری داده‌ها، روش‌های تحلیل داده‌ها، روش‌های تفسیر داده‌ها، روش‌های گزارش‌دهی و روش‌های ارزشیابی، به کار رفته است. در این روش، در مرحله گردآوری داده‌ها، به منظور گردآوری داده‌ها، از روش‌های مختلف استفاده می‌شود. در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش‌های مختلف استفاده می‌شود. در مرحله گزارش‌دهی، از روش‌های مختلف استفاده می‌شود. در مرحله ارزشیابی، از روش‌های مختلف استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تعمیر کتب، مطالعه موردی، معارف و اوقاف

روش‌های گردآوری داده‌ها: مصاحبه، پرسشنامه، مشاهده، مطالعه اسنادی

روش‌های تحلیل داده‌ها: تحلیل محتوا، تحلیل آماری

روش‌های گزارش‌دهی: گزارش، مقاله

روش‌های ارزشیابی: ارزیابی، بازخورد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES



